

### بهائیت؛ پیوند با استکبار

استفاده به وجود منحنی جهانی، و اهتزاز پرچم حاکمیت توحید در پایان جهان به دست پیشوای عدل و آزادی (حضرت حجت‌بن‌الحسن العسکری)، «باور حیات‌بخش»ی است که شیعه را در طول تاریخ پر نشیب و فرازش - برغم تحمل آزارها و آسبهای فراوان از سوی دشمنان مقتدر و کینه‌توز خویش - حفظ کرده و به امید دستیابی به آینده روشن، به ادامه جنبش و تکاپو واداشته است. بی‌جهت نیست که این باور حیات‌بخش (انتظار مهدی<sup>ع</sup>) از دیرباز، بویژه در سده‌های اخیر، مورد حمله دشمنان تشیع (خصوصاً کاتولیک‌ها استیکباری) قرار گرفته و آنان با صرف هزینه‌های گران و تبلیغات گسترده به اشکال مختلف کوشیده‌اند آن را ضعیف و نابود سازند.

«اتکول» وجود مهدی<sup>ع</sup> و «مسخ» چهره وی، دو شگرد موازی است که با هدفی واحد «مخدوش ساختن این باور حیاتی در ذهن مسلمان خصوصاً شیعیان»، در قرون اخیر تعقیب شده است. در شگرد نخستین، روایات مربوط به حضرت مهدی<sup>ع</sup> سست و مجعول؛ قلنداد شده و وجود ایشان، امری موهوم و ساخته پندار شیعیان یا مسلمانان تلقی می‌گردد ولی در شگرد دوم (که خطرناکتر است) ادعای مهدی (در قالب میرزا علی محمد باب یا حسینعلی بها یا قادیانی) سالهاست آمده و رفته و اسلام نیز منسوخ شده و به موزه تاریخ پیوسته است!

بایست که بهائیت، از جمله فرقه‌هایی هستند که در قرن ۱۹ به وجود آمده و رهبران آن مدعیات عجیبی، از نیابت خاصه امام عصر گرفته تا قائمیت و رسالت و حتی خدایی یدک می‌کشند! جدا از بحث درباره ادعاهای آموزه‌های بحث‌انگیز این دو فرقه، و نقد آنها با موازین علمی آنچه که در این مجال اشاره بدان را ضروری می‌بینیم، پیوند و تعلق است که از همان آغاز ظهور این دو جریان، بین سران این قدرتهای استیکباری دیده می‌شود. رهبران بهائیت، از یک سو (فی‌المثل) بر اشغال جرابانه فلسطین توسط انگلیس، امریکا و صهیونیسم مهر تأیید می‌زنند و از سوی دیگر، ضمن مخالفت با آموزه‌های امیل اسلام در باره مهدی<sup>ع</sup> علمای راستین شیعه را (که نواب آن بزرگوار، و مانع تحریف دین و گمراهی مسلمانان اند) هدف دشنام و هتاک قرار می‌دهند.

بنیادگذاران ادیان الهی (از ابراهیم گرفته تا موسی و عیسی و محمد و جلیشیمان معصومان علیهم السلام) بی‌استثنا به «وارستگی» و «ظلم ستیزی» شهره تاریخند ولی تأمل در کل‌نامه رهبران بهائیت، آنان را کارآر تئوخاوت قدرتهای استیکباری (از تزار روس و امپراتور انگلیس تا رؤسای جمهور امریکا و اسرائیل) نشان می‌دهد؛ یعنی تئوخاوت و مجیزگوی کسانی که در عصر خود، مظهر ظلم و استیکبار بوده و دستشان تا مرفق به خون مظلومان آلوده بوده است این واقعیت تلخ و دردناک چنانچه تنها در مآخذ غیربهائی انعکاس داشت، در قبول آن جای چون و چرا بود، اما نکته اینجا است که منابع خود بهائیت نیز، از اخبار مربوط به سازش سران بهائیت با استعمار و صهیونیسم، و تنا و ستایش طواغیت عصر، آکنده و سرشار است.

در صفحاتی که پیش رو دارید محققان تریخ معاصر، با تکیه بر مآخذ معتبر، از زوایای گوناگون پیوند دیرین و مستمر بهائیت با کاتولیک‌های استیکباری (روس تزاری، انگلستان، امریکا، صهیونیسم، فرانسوئی و رژیم پهلوی) در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی را به بررسی نشسته‌اند.

### مهرداد صفا

اولین دولت فروتنخواه و استعمارگر، که سران بایست و بهائیت با آن در پیوند بوده‌اند، امپراتوری روس تزاری است؛ امپراتوری متجاوز و درازدستی که در نیمه اول قرن نوزدهم، با زور و نیرنگ ۱۷ شهر از ابدترین شهرهای کشورمان را اشغال و از پیکر آن جدا کرد و پس از آن نیز تا زمان فروپاشی (۱۹۱۷م) همواره سد راه آزادی و پیشرفت ایران اسلامی بود.

علاوه بر منابع غیربهائی، در آثار خود بایان و بهائیان نیز شواهد و دلایل تاریخی زیادی وجود دارد که حاکی از پیوند سران این دو فرقه - خصوصاً بهائیان و بالاخص شخص حسینعلی بها - با امپریالیسم تزاری است. شواهد تاریخی زیر، نشان از «توجه خاص» روسیه تزاری به موضوع باب و حرکت او و وجود پیوند میان بایان و بهائیان با روسها دارد:

۱. زمانی که علی محمد باب (همراه دستیارش محمد علی زوزی)، در تبریز اعدام و جسدش در خندق افکنده شد، صبح روز بعد، کنسول روس در تبریز به کنار خندق آمد و توسط نقاش کنسولخانه به تصویربرداری از جسد باب و یار متوالتش پرداخت. عبدالحمید اشرافی خاوری نویسنده و مبلغ مشهور بهائی در تلخیص تاریخ نبیل، ضمن اشاره به مطلب فوق، سخنی دارد که حاکی از ارتباط و دوستی اعضای کنسولخانه روسیه در تبریز با برخی از بایان است: «صبح روز بعد از شهادت، فونسل روس در تبریز با نقاشی مله به کنار خندق رفته و نقشه آن دو جسد مظهر را که در کنار خندق افتاده بود برداشت. حاجی علی عسگر برای من حکایت کرد و گفت که یکی از اعضای فونسلخانه روس که با من رابطه و نسبت داشت آن نقشه را در همان روزی که کشیده شده بود به من نشان داد. آن نقشه با نهائیت مهارت کشیده شده بود...»

محمد علی فیضی، دیگر مورخ مشهور بهائی، نیز در تاریخ خود به نقل از حاج علی عسگر، به نکته فوق تصریح دارد: «به تصویربرداری کنسولگری روسیه از جسد باب، حتی در نوشته رهبران بهائیت نظیر عباس افندی و شوقی نیز تصریح شده است».

۲. ملا محمد علی زنجانی (رئیس بایان زنجان) که در آن شهر مدت‌ها با فاشون اعزامی از سوی امیرکبیر جنگید در خلال جنگ به یارانش اطمینان داده بود که «دولت روس به یاری آنان خواهد آمد». فریدون آدمیت، پس از نقل این مطلب از زبان «ابوت»، مأمور لگلیسی که از آن شهر می‌گذشته سخن جالبی دارد: «ملا محمد علی زنجانی یعنی جناب «حجت» که دعوی فتح کره زمین را داشت، و معتقد بود که تاجداران جهان باید فرمان وی را به طرف نهند، حتی حکومت مصر را به دست یکی از اولیای مقدس سپرده بود، چطور شد که به اصحابش وعده داد که امپراتور روس که در زمره همان شاهان کافر بود، به یاری آنان خواهد آمد؟! آن بیچارگان ابله هم باور فرموده بودند». همچنین، منابع بابی تصریح دارند که در جریان درگیری فوق، سفیر روسیه (پرنس دالگوروی) به امیرکبیر به علت سرکوب و قلع و قمع بایان شورشگر در آن شهر اعتراض کرد.

۳. ماجرای تجمع بایان (تحت رهبری قدوس، قردالعین و حسینعلی بها) در ۱۲۶۴ق در بندت (واقع در حوالی شاهرود) در تاریخ مشهور است. در آنجا تصمیم گرفته شد که بایان در ماکو (پادشاه علی محمد باب) گردآیند و برای رهایی وی، به مقرش حمله برند و در برابر دولت وقت ایران (محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی) «ایستادگی» ورزند و چنانچه شکست خوردند «به خاک روسیه» پناهنده شوند.

۴. اعضای خاندان افغان (خوشاوندان باب و نمایندگان عیسی افندی در ایران) با سفارت روسیه پیوند نزدیک داشتند و حاجی میرزا محمد تقی افغان وکیل الدوله (پسر دلی باب و برادران) و پسرانش به عنوان نمایندگان تجاری روسیه در بمبئی و بزد فعالیت می‌کردند و آقا علی حیدر شیرولی (بهائی) از



میرزا محمد تقی افغان وکیل‌التجار دولت روسیه و یکی مشرق‌الانوار مشق آباد و علفان و

# بهائیت و روس تزاری

مشهور روزنامه تابمز، از کسانی است که وزارت خارجه بریتانیا در مورد فرزند ۱۹۰۷ (تجزیه ایران به منطق نفوذ روس و انگلیس) با وی رایزنی کرد. چیرول در کتاب معتبرش: «مساله شرق وسطی» یا «چند مسله سیاسی راجع به دفاع هندوستان»، بهائیان را جاسوس روسها معرفی می‌کند. وی «کاپیتان توماسکی» را از مبارزترین مأموران و علفان آن دولت شمرده و حتی اشاعه بلیگیری را نتیجه علاقه روسها و اقدام در انتشار آثار آنان می‌داند به باور او، توماسکی در این راه به دولت متبوع خود خدمت کرد. «گفتنی است که میرزا ابوالفضل کلیایگانی (مبلغ مشهور بهائیان) زمان اقامتش در سمرقند (۱۳۱۰ق) «رساله اسکندریه» را به نام همین مسیو اسکاتلندر توماسکی، صاحب منصب تویخانه روس در عشق آباد، تألیف کرد و توماسکی نیز بخشی از آن رساله را در جلد هشتم از زبیسکی (مجله روسی متعلق به شعبه‌ای از لجن همایونی روسی آثار عتیقه) در سالهای ۱۸۹۴-۱۸۹۳، به چاپ رساند. «توماسکی، همچنین، «به راهنمایی و معلوفت» میرزا ابوالفضل، کتاب مقدس بهائیان (قدس) را به روسی برگرداند».

۶. تشکیل اولین مرکز تبلیغاتی مهم بهائیت در خاورمیانه (با عنوان مشرق الانکار) در عشق آباد روسیه و با حمایت آشکار روسها، نشان دیگری از پیوند دولت تزاری و سران این فرقه است.

۷. در همین زمینه باید به حضور بهائیان در تشکیلات و مؤسسات مربوط به روس تزاری در ایران (همچون سفارتخانه و بانک استقرافی روسیه) اشاره کرد. ایام تقصیل این بحث در مطلبی جداگانه آمده است.

۸. وعده‌های مکرر سران بهائیت (بها و عبدالبها) به اتباع خویش مبنی بر شکست ناپذیری امپراتوری تزاری و برخورداری آن از تلبیبات الهی، گواه دیگر این پیوند است.

۹. رد پای ارتباط بایان و بهائیان با روسیه تزاری را بیش از هر چیز، بایستی در پرده خود حسینعلی بها (مؤسس مسلک بهائیت) بازجست که پدرش میرزا عباس نوری دستیار شاهزاده «روس فیل» قاجار (امام وردی میرزا) بود و سه تن از منسوبین نزدیک بها (برادر، شوهر خواهر و خواهرزاده وی) در استخدام سفارت روسیه بودند و خود بها نیز در جریان ترور نقرجام ناصرالدین شاه توسط بایان، با حمایت جدی و پیگیری سفیر روسیه (دالگوروی) از زندان و اعدام

شرکای تجاری خاندان افغان) از اعضای متنفذ سفارت روس در تهران بود و با حمایت او بود که حاجی میرزا محمد تقی افغان وکیل‌التجار دولت روسیه در بمبئی شد. محمد طاهر المامری، از عیون بهائیان، ضمن شرحی بر اب و تاب در تعریف از خوشنودن مادری باب چنین می‌گوید: «حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله نماینده رسمی دولت روس، با نشان مخصوص و بیرق بالای سر درب خانه شریفشان ممتاز از دیگران بودند... روزی که نشان طلای بزرگ از طرف دولت روس برای ایشان رسیده

## اعضای خاندان افغان خوشاوندان باب و نمایندگان عباس افندی در ایران) با سفارت روسیه پیوند نزدیک داشتند و حاجی میرزا محمد تقی افغان وکیل الدوله (پسر دایی باب) و برادران و پسرانش به عنوان نمایندگان تجاری روسیه فعالیت می‌کردند

بود چند نفر از تجار را در بیت شریفشان دعوت فرمودند و دو ساعت این نشان را زدند...» «آواره نیز از «علاقه‌جات» وکیل الدوله «در روسیه» یاد می‌کند. وکیل الدوله از سوی عباس افندی دستور یافت که اولین معبد و مرکز تبلیغی بهائیان در جهان (مشرق الانکار) را در عشق آباد روسیه بنهند و این مأموریت را نیز (با پشتیبانی روسهای تزاری) پیش برد و نهایتاً در حیفا (محل سکونت عباس افندی) درگذشت. در همین زمینه باید به پیوند برادران باقراوف (سولیدران بهائی) با روسیه اشاره کرد که شرح «روس فیل» و روابط آنها با عولمل روسیه در تاریخ آمده است.

۵. اقدام کاپیتان توماسکی، صاحب منصب روسی، به ترجمه و ترویج آثار بهائیان، مورد دیگری است که برخی از مطلعان، آن را شهادی بر پیوند روسیه و بهائیت گرفته‌اند. والتتین چیرول، مخبر



همکاری بهائیان با تشکیلات (سیاسی و اقتصادی) روسیه در ایران

# مغازله با همسایه شمالی

موارد فراوانی از همکاری بهائیان با مؤسسات سیاسی و اقتصادی وابسته به روسیه در ایران وجود دارد که در زیر به برخی از آنها نمونه‌وار اشاره می‌کنیم

عزیزالله خان ورقا از اعظم بهائیان تهران در بانک استقراضی روس در تهران عضویت داشت. نوشته‌اند: زمانی که عزیزالله وارد خدمت بانک استقراضی روس در تهران شد، اگرچه رئیس مقدر بانک، «غایت اعتماد و محبت و احترام را به او حاصل نمود و او یگانه واسطه فیما بین رجال و اولیای امور و محترمین متنفذین کشور با آن بانک پر قدرت قرار گرفت و خانه و اثاثیه در قسمت علیای شهر و درشکه با اسب زیبا و سر طویله مخصوص فراهم گردید و غالباً سوزر بر آن درشکه خود و با سواران قوی هیکل با لباسها و نشان‌های مخصوص بانک پی رقی و فتنه امور می‌گذاشت و فلان ملک و بهمان الدوله‌ها ناچار از اجترانش بودند. ولی‌الله خان ورقا، برادر عزیزالله خان، نیز مدتی کارمند سفارت روس بود و سپس منشی اول سفارت عثمانی در تهران شد.

گفتنی است که بهائیان، از روابط خود با دوستان و آشنایانشان با تشکیلات روسیه در ایران کاملاً برای مقابله با حکومت ایران و تخلص از فشارهای وارده از سوی دولت و مردم بهره می‌جستند که به نمونه‌ای از آن ذیلاً اشاره می‌کنیم: به گفته «مصباح هدایت»، از منابع مهم بهائی، زمانی که ورقا (یکی از سران بهائیت) همراه میرزا حسین زنجانی (پسر محمد متوفی ۱۳۰۲ق در عشق‌آباد) در زنجان توسط علاءالدوله حاکم آنجا دستگیر شد با اشاره به روابطی که بین میرزا حسین و دامادش با سفارت روسیه در ایران بود، حاکم را از عواقب این اقدام ترسانید. مآخذ مزبور می‌نویسد که علاءالدوله خطاب به ورقا گفت: فردا میرزا حسین را ۷۲م توپ می‌گذارم و تو را با پست به تهران می‌فرستم. حضرت ورقا محرمانه فرموده بود که میرزا حسین به اطلاع قنصل و به امیر ناصرالدین شاه از عشق‌آباد آمده و دامادشان هم مترجم روس است! این مطلب را دنبال می‌کنند و از برای سرکار خوش باام به نخواهد شد، به نظر چنین می‌آید که او را هم با قاف تهران بفرست. ورقا، که فوقاً از گفتگوی تهدیدآمیزش با حاکم زنجان یاد شده ظاهراً همان میرزا علی محمد ورقا، مبلغ سرشناس بهائی، است که در ۱۳۱۲ق از قفقاز وارد زنجان شد. علاءالدوله او را بازداشت کرد و در دارالحکومه با حضور جمع زیادی از اعیان شهر، به مناظره با شیخ ابراهیم زنجانی مشهور واداشت و زنجانی در این مناظره ورقا را محکوم کرد و سپس نیز کتابی موسوم به «رحم الدجال فی رد باب الضلال» یا «ارشاد

الایمان» در نقد و رد مسلک باییت و بهائیت نگاشت. مناظره پیروزمندانه شیخ ابراهیم با ورقا، البته برای شیخ خالی از خطر نبود و حتی چنان‌که می‌نویسد، به صدور دستور ترورش از مرکز بهائیت انجامیده است.

به نوشته یکی از محققان معاصر: «در دوران قاجاریه سفرخانه‌های اروپایی در ایران را به شکلی آشکار و گاه زنده، حامی بایسا و بهائیا می‌بایم. برای نمونه شیخ علی‌اکبر قوچقی، بهائی معروف (نیای خاندان شهینزاده)، با اروپاییان ارتباط داشت و به این جرم به دستور میرزا عبدالوهاب خان



اصفالدوله حاکم خراسان، زندانی شد. او از زندان نامه‌ای به کاستن، رئیس گمرکات خراسان، نوشت به این مضمون: «چون لینی وطن بر ایدای من قیام نموده‌اند و بر اهل و عیال و بستگانم سخت گرفته‌اند از شما، که شخصی بیطرف هستید و خدمتگزار دولت ایران می‌باشید، خواهش می‌کنم که اگر می‌توانید از مجرای قانونی جلوگیری کنید و تحقیق نمایید که به چه سبب شجاع‌الدوله کسان مرا تحت فشار قرار داده و اگر در این مملکت جز هرج و مرج چیزی حکمفرما نیست دست زن و فرزند خود را گرفته به یکی از دول خارج براه بدم». نمونه دیگر، ماجرای زندانی شدن بهائیان آذربایجان است. میرزا حیدرعلی اسکویی و گروهی از بهائیان مدتی در تبریز زندانی شدند ولی با مداخله کنسول‌های روسیه و فرانسه رهایی یافتند حتی کنسول روسیه به شجاع‌الدوله، حاکم تبریز، «تغییر نموده» و شصتا بیست‌به زندان رفته بهائیان را آزاد کرد و با درشکه شخصی خود به کنسولگری برد و پذیرایی نمود.

### پانویست‌ها:

۱. «جستارهایی از تاریخ بهائیکری در ایران...» عبدالله شهبازی، تاریخ معاصر ایران، ص ۲۷، ص ۲۰، به نقل از: تاریخ ظهور الح، ج ۸، ق ۱، ص ۲۹۶-۲۹۹، تقریاً ده نیز تصریح می‌کند که میرزا عزیزالله خان ورقا از اصحاب عیسا افسندی، مستخدم بانک استقراضی روسیه در تهران بود. ر.ک یادگار، سل ۵، ش ۶ ص ۷، ص ۱۲۰، مقالات نفی زاده به کوشش ایرج فشار، ۸۶۳. ● ۲. مصباح هدایت، عزیزالله سلیمی اردکلی، لجنه علی ندریات امری، تهران ۱۳۴۶، ۱۸۷۱، ص ۳۰. ● ۳. ر.ک خطرات شیخ ابراهیم زنجلی، علی یوگسیتی، صص ۱۱۶-۱۲۲ و ۱۲۹، ص ۴. در مورد مناظره و پیدایش آن، و نیز مشخصات کتاب زنجلی ر.ک شیخ ابراهیم زنجلی... صص ۲۶-۲۲. ● ۴. جستارهایی از تاریخ بهائیکری... همان، ص ۲۱، ص ۶۰. ● ۵. مصباح هدایت، ۳۲۹/۲، ۳۲۸، ۷، همان، ۱۵، ۲۱۳-۲۱۸، ۲۱۸. ● ۶. آمد اخیر امری، سال ۱۳۲۳، ش ۱۹، ص ۷۵۲، ۹، همان سال ۱۳۲۴، ش ۱۹، ص ۷۵۲-۲۲۵، ۱۰، همان، سل ۱۳۲۵، ش ۱۹، ص ۷۵۲.

صص ۶۱-۶۰، ۱۱، الکواکب الدرریه ۶۶/۲، ۱۲. ر.ک سفرنامه زهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی، ص ۵۱ و ۶۹-۶۸، کشف الحیل، آیتی ج ۲، ص ۲، ص ۲۸-۲۹، ج ۲، ص ۴، صص ۱۹۸-۱۹۶، ج ۱، ص ۷، صص ۲۶۲-۲۶۳، ایرانی که من شناختم، ب. نیکبختین، ترجمه فروغی و مقدمه ملک اشعراعی بهار، کلون معرفت، تهران ۱۳۲۹، صص ۱۶۷-۱۶۵، ۱۲. ● ۷. امیرکبیر و ایران، آدمیت، با مقدمه محمود محمود، چاپ اول: انتشارات بنگله آذر، تهران ۱۳۲۳، قسمت اول، صص ۲۵۶، ۱۴. ● ۸. بهائیان، محمد باقر نجفی، چاپ اول، صص ۲۳۲-۲۳۲، ۱۵. ● ۹. آهنگ بدیع، سال ۱۹ (۱۳۲۲)، ص ۱، مقاله «کتاب اقدس»، تدوین دکتر محمد افشار و... ص ۱۲، بجا است در مورد ماهیت و مواضع سیاسی کسان دیگری از روسیان نیز (همچون زین، ژوکوسکی و کاظم بیک الکساندر قاسویچ) که راجع به بلویه و بهائیه پژوهش و تألیف کرده‌اند، تحقیقی صورت گیرد. ● ۱۶. ر.ک فلسفه نیکو حسن نیکو، ۱۶۵۲-۱۶۲۰

نجات یافت و تحت الحفظ سفارت از ایران خارج شد و لوحی در تقدیر از تزار و سفیرش صادر کرد. (ایلم) توضیح مطلب را در مقاله «حسینعلی بهاء پیوند دیربا با استعمار تزاری» مطالعه کنید) موارد ۹ گله فوق، به روشنی از پیوند بهائیت با استعمار تزاری پرده بردار می‌دهد.

### پانویست‌ها

۱. مطلع الانوار (THE DAWN BREAKERS) تلخیص تاریخ نیل زندی، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خلوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲۴ بدیع صص ۵۰۴-۵۰۳، ظهور الحق، فصل مزندرقی، ۲۵۷/۲، حضرت نطقه لولی ۱۳۲۶-۱۳۲۳ هجری ۱۸۱۹-۱۸۵۰ میلادی، محمد علی فیضی، آذر ۱۳۵۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۶ بدیع صص ۳۲۸-۳۲۷، مقاله شخصی سیاح... (عیسا افسندی) مؤسسه ملی مطبوعات

### روزشمار تاریخ باییت و بهائیت

جمادی‌الاول ۱۲۶۰: ادعای «باییت» توسط میرزا علی محمد شهبازی «باب» در شیراز.

۱۲۶۱: ذکر عبارت «اشهد ان علیاً قبل نبیل باب بقیه‌الله» در اذان نماز جمعه در شیراز به دستور باب، و واکنش تند مردم نسبت به آن، و قدام حاکم فارس به توقیف و تنبیه باب، و تکذیب باب ادعایش را در مسجد وکیل نزد علما و مردم

رمضان ۱۲۶۲: فرار باب به اصفهان و پذیرایی حاکم لرمنی شهر (معمتمدوله) از او.

شعبان ۱۲۶۳: حبس باب در زندان ماکو و تگلارش کتاب «بیلان» توسط وی.

جمادی‌الاول ۱۲۶۴: انتقال باب به زندان چهریق، و احضار وی به تبریز جهت مناظره علما با او، و شکست باب در مناظره، و چوکیاری و توبیخ از ادعاه

۱۲۶۴: تجمع بایبان در بندش شهرکرد، و حضور قرالمین (بی‌حجاب و وارسته) بین آنها، و اعلام لغا، دین اسلام (با پشتیبانی حسینیان بهاء)، و حمله مردم به بلیان با پخش خبر روابط نامشروع قرالمین با بایبا، و...

۱۲۶۵: وصایت یحیی صبح‌ازل (لور بهاء) توسط باب، ۱۲۶۵-۱۲۶۶: آشوب خونین بایبان در نقاط مختلف ایران و سرکوبی آن توسط امیرکبیر.

شعبان ۱۲۶۶: اعلام باب در تبریز به حکم امیر، و قدام همو به تبعید بهاء، به عراق (پس از کشف توطئه بلیان برای ترور ربیع‌الاول ۱۲۶۸: قتل امیر (با توطئه عمل استبداد و استعمار) و صدارت میرزا آقا خان نوری («تحت‌الحمایه انگلیس» و دوست بهاء) و بازگشت بهاء، (در رجب ۱۲۶۸) از عراق به دعوت نوری

شوال ۱۲۶۸: ترور نافرجام ناصرالدین شاه توسط بلیان، و دستگیری سران آنها (از جمله بهاء)، به اتهام همدستی باضاریین، و قتل محبوسین و آزادی بهاء، از زندان (با فشار سفیر روس در ایران: پرنس دلگوروتکی) و تبعید وی، تحت الحفظ غلامان سفارت، به عراق.

فی‌قعدة ۱۲۷۹: تبعید بهاء، توسط عملی از بغداد به اسلامبول (در اثر فشار دولت ایران).

رجب ۱۲۸۰: تبعید بهاء، و صبح ازل به اترنه و ادعای رسمی بهاء، (۳ سال بعد) مبنی بر اینکه لوهمان موعود باب در بیان (من بظهوره‌الله) است و تشدید نزاع بین او و برادر پسر ریاست بلیان، و تجزیه‌نامه به دو گروه «اولی» و «بهایی»، و اقدام طرفین به توهین و ترور و افشای اسرار یکدیگر.

ربیع‌الثانی ۱۲۸۵: تبعید بهاء، از ل و عکا، و قبرس، ۱۲۸۶: تگلارش «افدس» (کتاب مقدس بهائیان) توسط بهاء.

۱۲۹۹: مرگ بهاء، و نزاع و دستمندی شدید و دیرپای پسرانش (محمدعلی و عیسا افسندی) بر سر ریاست بهائیان، ۱۳۱۷: سرکوفتی عبدالحمید ثقی (سلطان ضد صهیونیست عملی به دست زون ترکها) و آزادی فعالیت عیسا افسندی.

۱۳۲۹: سفر عیسا افسندی به اروپا و آمریکا، و نشان دادن چراغ سبز به سرمایه‌داری غرب.

۱۳۳۲ (۱۹۱۴م): جنگ جهانی اول و کمک عیسا افسندی و نزدیکش به ارتش بریتانیا در جنگ با عملی، ذی‌قعدة ۱۳۳۶: با کمک لژیون صهیونیسم

محررم ۱۳۳۷: تئاکوبی عیسا افسندی از «اعتدال و سیاست» انگلیس (در لوح باقروف) پس از لشغال فلسطین توسط ارتش بریتانیا

شعبان ۱۳۳۸: اعطای لقب و نشان توسط دربار لندن به عیسا افسندی به پاس خدمت به امپراتوری

ربیع‌الاول ۱۳۴۰: مرگ عیسا افسندی، و شرکت مقامات علی انگلیس در تشییع جنازه او و حمایت آنان از نوه و جانشینش، شوقی، در برابر رقا.

۱۳۴۷: تأسیس رژیم لشغالگر فلسطین و حمایت شوقی از آن.

۱۳۴۶: مرگ و دفن شوقی در لندن، و آغاز دستبندیهای جدید و تشدید ۱۳۴۲: تشکیل اولین بیت اعدل اعظم در فلسطین اشغالی.

توضیح: تاریخچه، جز آنچه استنفا شده، به قمری است.



بحشی در مناسبات حسینعلی بهاء و روسیه

# پیوند دیرپا با استعمار تزاری

رضا قریبی

منابع غیر بهائی، میرزا حسینعلی بهاء پیشوای بهائیان (و نیز برادرش صبح ازل، پیشوای ازلیان) را به خیرچینی برای سفارت روسیه متهم می‌سازند. عبدالله بهرامی (از عناصر مشروطه خواه و دموکرات صدر مشروطه و از صاحب منصبان عالی نظمی) می‌نویسد: «میرزا حسینعلی را عده‌ای از اشخاص مطلع، جزو خفیه‌نویسان سفارت روس معرفی نموده‌اند.» هاشم محیط مافی، از روزنامه‌نگاران آن عصر نیز بهاء و ازل را راپرتچی سفارت روسیه معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

جدا از صحت و سقم این اتهام شواهد متعددی وجود دارد که پیوند آشکار میان حسینعلی بهاء و روسها را مدلل می‌دارد و حتی مآخذ معتبر بهائی (تلخیص تاریخ نبیل، مقاله شخصی سیاح قرن بدیع و الکوآب الدریه) بدان تصریح دارند. یکی از مهمترین و آشکارترین این شواهد اقدام جدی پرنس دالگوروی (سفیر روس در ایران) برای نجات بهاء (از زندان و اعدام) پس از ترور نافرجام شاه و بدرقه بهاء توسط غلامان سفارت تا مرز عراق است که صدور لوح از سوی بهاء خطاب به تزار روسیه در تشکر از حمایت دالگوروی<sup>۲</sup> را در پی داشت. تحقیق زیر، به بررسی پیوند دیرین میان بهاء و خانواده او با روسیه می‌پردازد:



بهاء و ازل در سفر به روسیه در سال ۱۲۵۴ قمری

۱. منسوبان نزدیک بهاء در سفارت روس  
منابع تاریخی (عم ا بهائی و غیربهائی) از حضور بستگان نزدیک بهاء: میرزا حسن نوری (برادر بزرگ بهاء)، میرزا مجید خان و میرزا ابوالقاسم خلی اهی (ترتیب: شوهر خواهر و خواهرزاده بهاء) به عنوان «منشی» در سفارت روسیه در تهران خبر می‌دهند.<sup>۳</sup> آواره (آیتی بعدی)، مبلغ و مورخ پیشین بهائیت، تصریح می‌کند که: «میرزا حسن، برادر بزرگ بهاء منشی سفارت روس در تهران بود.» شوقی افندی نیز می‌نویسد: «در زرگنده میرزا مجید شوهر همشیره بهاء، یعنی میرزا مجید خلی اهی «در خدمت سفیر روس پرنس دالگوروی سمت منشی‌گری داشت.»<sup>۴</sup> این رسم در خاندان اهی ادامه یافت، چندان که هموی مجید اهی (وزیر مشهور عصر پهلوی) منشی سفارت روس در تهران بود و مجید به کمک او برای تحصیل به پایتخت تراز رفت و ورشته حقوق را گذراند.<sup>۵</sup>

پدر حسینعلی بهاء و صبح ازل، میرزا عباس نوری موسوم به میرزا بزرگ وزیر است. میرزا عباس، بزرگ خندان خویش محسوب می‌شد و حضور چشمگیر و گسترده منسوبین نزدیکش (یعنی پسر بزرگ، داماد و نوه‌های دختریش) در سفارت روسیه که بویژه در ایران آن روزگار، امری عادی به نظر نمی‌رسد، قاعدتاً بدون آگاهی و موافقت وی صورت گرفته است. و این امر، پژوهشگر تیزبین را به جستجوی ریشه‌ها و رشته‌های ارتباط بین خود میرزا عباس با روسها وامی‌دارد. اتفاقاً بررسی زندگی میرزا عباس و شبکه ارتباطات سیاسی او نیز رد پاهایی از روسیه را در پرونده‌اش به دست می‌دهد و این امر نشانگر آن است که پیوند حسینعلی «بهاء» با روسها، ظاهراً سابقه‌ای دیرین داشته و به روزگار حیات پدرش، میرزا عباس، می‌رسد.

۲. پدر بهاء؛ منشی پرنس (روس قبل)  
میرزا عباس نوری (میرزا بزرگ وزیر)، پدر حسینعلی بهاء، (مؤسس بهائیکری) و چینی صبح ازل (بنیانگذار ازلی‌گری) است. میرزا عباس، در دستگاه شاهزاده امام‌وردی میرزا (پسر فتحعلی شاه و کشیکچی باشی یعنی رئیس رئیس گارد مخصوص سلطنتی) کار می‌کرد و وزیر و منشی او بود. عباس از ۱۲۳۰ ق به وزارت امام‌وردی منصوب شد و شهرت وی

به وزیر نیز از همینجا بود.<sup>۶</sup> امام وردی، مخدوم میرزا عباس، از عناصری است که رد پای ارتباط با سفارت روسیه در کارنامه او مشهود است. از کلام مهدی بامداد برمی‌آید که پس از قتل گریبایدوف (سفیر مغرور و فتنه‌جوی روسیه) در ۱۲۴۴ ق، خله امام‌وردی میرزا در تهران چندی منزلگاه سفرای روس بود. و با توجه به این که انتخاب اشخاص برای میهمانداری از سفرای بیگانه، بی‌حساب

به وزیر نیز از همینجا بود.<sup>۶</sup> امام وردی، مخدوم میرزا عباس، از عناصری است که رد پای ارتباط با سفارت روسیه در کارنامه او مشهود است. از کلام مهدی بامداد برمی‌آید که پس از قتل گریبایدوف (سفیر مغرور و فتنه‌جوی روسیه) در ۱۲۴۴ ق، خله امام‌وردی میرزا در تهران چندی منزلگاه سفرای روس بود. و با توجه به این که انتخاب اشخاص برای میهمانداری از سفرای بیگانه، بی‌حساب

۱۵ هزار سرباز به قزوین شتافت تا راه را بر او روهد و وزیرش (قائم مقام فرهادی) به پایتخت بیاورند، که البته قشون کشی وی باطنی فضاختیار داشت» و با پیش‌بینی شکست یارلن خود، به «چادر ایلیچی روس پناهنده». این پناهندگی برای امام وردی طبعاً مصونیت سیاسی به همراه داشت و لذا در جریان داغ و درفش همپیمان‌های سیاسی (ظل‌السلطان و...) توسط محمد شاه و قائم‌مقام، چون «در پناه دولت روس بود، کسی به او متعرض نمی‌شد و باقی گرفتار بودند.»<sup>۷</sup>

سال بعد، در ربیع‌الاول (۱۲۵۱)، جمعی از شاهزادگان مخالف شاه (از جمله امام‌وردی) به قلعه اردبیل فرستاده شدند و امام‌وردی ۳ سال بعد (ربیع‌الثانی ۱۲۵۴) به اتفاق برادرانش: ظل‌السلطان و رکن‌الدوله «از قلعه اردبیل گریخته و به دولت روس تزاری پناهنده شدند دولت روسیه درصد برآمد که شاهزادگان فراری را با مله‌بانه منگفی در فراباغ یا ورشو منزل دهد ولی شاهزادگان توقعات دیگری داشتند که مورد قبول امپراتور قرار نگرفت. این واقعه مصداق بود یا محاصره هرات از طرف محمدشاه و مقارن با مسافرت نیکولای اول به ایروان و چون در این اوان مقلات تزاری «بنا به مقتضیات سیاسی از دولت ایران پشتیبانی می‌کردند موافقت با تقاضاهای غیر موجه فراریان [به سلطنت رساتیدن آنان در ایران] معقول به نظر نمی‌آمد.»<sup>۸</sup> لذا آن سه تن نهایتاً تاگزیر شدند برای دستیابی به نقطه اتکا بهتر. به کشور عثمانی بروند» که آن زمان پیوندهای عمیقی با دولت انگلیس داشت. تزار البته هنگام عزیمت آنها به عثمانی، از ایشان تزار شاه ایران وساطت و ضمانت کرد و خود ظل‌السلطان در نامه به پالمستون، وزیر خارجه انگلیس (اول رمضان ۱۲۵۴ ق) خاطرنشان ساخت که «بعد از فرار از قلعه اردبیل، مدت هفت ماه در حمایت دولت علیه امپراتور اعظم [تزار روسیه] بودیم و ایلیچی دولت علیه ایشان [یعنی سفیر روسیه در ایران] هم دخیل این امر بود.»<sup>۹</sup> آنان پس از ورود به عثمانی در خط سازش با انگلستان افتادند که خود داستانی دراز و عبرت‌انگیز دارد.<sup>۱۰</sup> منابع بهائی اظهار

**به تصریح منابع بهائی پس از ترور نافرجام ناصر الدین شاه به دست بابیان بهاء که شدیداً در مظان اتهام بود، به خانه شوهر خواهرش (منشی سفارت روس) در زرگنده (محل بیلاقی سفارت) رفت و سفیر روس (دالگوروی) به حمایت علنی از وی پرداخت**

می‌دارند که در ایام تبعید حسینعلی بهاء در عراق، پسران ظل‌السلطان، شجاع آلدوله و سیف آلدوله جزو میهمانان دائمی بهاء بودند.<sup>۱۱</sup> پدر حسینعلی بهاء، میرزا عباس نوری، مدت‌ها کارگزار شاهزاده روس‌فیل؛ امام وردی میرزا، بوده است. امام وردی، ضمناً داماد محمدخان قاجار<sup>۱۲</sup> و شوهر خواهر پسر وی، محمدحسن خان سردار ایروانی، بود که تاریخ، هر دو - محمد خان و محمدحسن خان - را از وابستگان سیاست روسیه در ایران می‌شناسد. عباس امامت (مورخ بهائی تبار) از محمدحسن خان با عنوان «یکی از تحت‌الحملگیان جاه‌طلب روسیه» یاد می‌کند.<sup>۱۳</sup> محمد حسن خان سردار، از قضا متهم به دخالت در توطئه ترور نافرجام ناصرالدین شاه (شوال ۱۲۶۸ ق) بود<sup>۱۴</sup> که حسینعلی بهاء، نیز در ردیف متهمان ردیف اول آن قرار داشت.

چنانچه از روابط دیرین میان خانواده بهاء با روسها بگذریم، به روابط شخص وی با عمل روسیه در ایران می‌رسیم که منابع بهائی هم بدان تصریح دارند.

۳. در بیابگی روسیه، و تلاش برای حفظ جلن بهاء می‌دسیم که یکی از مهمترین آشوبهای بابیان، در قلعه شیخ طبرسی (واقع در مازندران) روی داد که مقدمات آن در زمان محمدشاه قاجار فراهم شد ولی آتش آن در زمان ناصرالدین شاه (و صدارت امیر) سربرزد و دولت مرکزی، تنها پس از کوششهای زیاد و دادن تلفات گران، توانست آن فتنه را سرکوب کند. در جریان آن فتنه برای حسینعلی بهاء، نیز (که قصد پیوستن به بابیان در قلعه را داشت) توسط حکومت ایران مشکلاتی پدید آمد که روسها به کمکش شتافتند. توضیح این‌که:

قبل از شروع درگیری قلعه طبرسی، به قول «الکوآب الدریه» (از مآخذ مشهور بهائی)، حسینعلی «یک وقتی در جز اینتر گز سلیق» که قریه [ای] از قراه مازندران است تشریف داشته و در آنجا مستخدمین و سرحداران دولت روس، از ادتی شایان به حضرتش بقلعه اراده کرده‌اند که آن حضرت را از دست مطوران ایرلی گرفته و با فرار داده به روسیه برینده ولی میرزا قبول نکرده است. تا این که بزودی خبر مرگ محمدشاه می‌رسد و «در بیابگی روس اظهار سرور کرده است. «خلاصه آن فتنه وقت شاه هرچند امر را بر این سبب مازندران [مقیم قلعه طبرسی] سخت کرد، ولی از طرفی سبب نجات حضرت به‌الله شد و آن حضرت سالمًا به طهران مراجعت فرمود.»<sup>۱۵</sup>

مؤلف کوآب الدریه که بعدها از بهائیت برگشته و کتاب «کشف الحیل» را در فضای مله‌بیت بهائیان نوشت، در کشف الحیل، به لوحی از عبدالله خطاب به برخی از مریدان خود در بندرگز اشاره می‌کند که ضمن آن، به اشاره به مصلحت حکومت امل از نزدیک شدن بهاء، به مجتمعین قلعه شیخ طبرسی، و رفتن بهاء، به بندرگز، می‌نویسد: «پس جمال مبارک [بهاء]... در بندرگز تشریف بردند و سرکرده‌های جز نهایت رعایت و احترام را محری داشتند پس محمد شاه فرمان قتل جمال مبارک [بهاء] را به واسطه حاجی میرزا اقلسی صادر نمود و خبر محرمانه به بندرگز رسید. از فساد دهی از دولت سرکرده روز بعد موعود بودند مستخدمین روسی با بعضی از خوئین بسیار اسرار نمودند که جمال مبارک به کشتی روس تشریف ببرند و آنچه اصرار و احاح کردند قبول نیفتاد، بلکه روز تازی صبح با جمعی بسیار «به آن ده تشریف بردند در بین راه سواری رسید و به پیشکار در بیابگی روس کاغذی داد، چون باز نموده به نهایت سرور فریاد برآورد و به زبان مازندرانی گفت: مری برده یعنی محمد شاه مرد، لهذا آن روز را خوئین و جمیع حاضرین... جشن عظیمی گرفتند.»<sup>۱۶</sup>

۴. پرنس دالگوروی برای نجات بهاء از حبس و اعدام بیامی خیزد  
چنان که گفتیم، اقدام دالگوروی برای نجات جان بهاء از زندان ناصرالدین شاه، و تشکر بهاء از وی و تزار، یکی از مهمترین شواهد تاریخی دال بر پیوند آشکار میان بهائیت (و پیشوای آن) با روسها است. منابع بهائی تصریح می‌کنند که پس از ترور نافرجام شاه به دست







# ماه عسل در عشق آباد

رضا شرافتی

تشکیل اولین مرکز تبلیغاتی مهم بهائیان در خاورمیانه (با عنوان «مشرق الاذکار») در عشق آباد روسیه و تحت حمایت آشکار روسها، یکی از نشانه‌های آشکار بر وجود پیوند میان دولت تزاری و سران این فرقه است. به نوشته مجله آهنگ بدیع، ارگان بهائیان، «اولین مشرق الاذکاری که در عالم تلبیس شد مشرق الاذکار عشق آباد بود که در سال ۱۹۰۲ میلادی اقدام به بنای آن گردید و به همت جناب حاج میرزا محمد تقی افغان وکیل الدوله ساخته شد. نقشه آن رامهندس ولکوف کشید و مورد عنایت حضرت عبدالباها، فرزند گرفتار».

باید دید که چه عواملی باعث شد روسها میدان را برای تجمع و فعالیت بهائیان در منطقه عشق آباد باز کنند و با وجود حساسیت و مخالفت شدید ملت و دولت ایران، و نیز مسلمانان خود منطقه، به حمایت آشکار از بهائیان بپردازند؟ حل این معما در گرو شناخت موقعیت حساس نظامی، سیاسی، تجاری عشق آباد، و جایگاه مهم آن در استراتژی امپراتوری تزاری (مبنی بر بلع ایران) است.



بنای مشرق الاذکار عشق آباد (۱۹۰۲م) با حضور معتمدین افغان وکیل الدوله، روس و مسلمانان (راست) و زائران سوسیالیست

لرد کرزن (نویسنده و سیاستمدار مشهور انگلیسی) در کتاب خود، ایران و قضیه ایران، از عشق آباد به عنوان «پایتخت نظامی و لاداری روس در شمال ایران» یاد کرده و از اهمیت سیاسی، اقتصادی، سوق الجیشی مهم آن برای روسها پرده برداشته است. ویلهم لیبن، کنسول آلمان در جنگ جهانی اول در تبریز، تصریح می‌کند که جاده عشق آباد - قوچان - مشهد «برای روسها ارزش بسیاری داشت». اظهارات این دو کارشناس غربی را کتابچه محرمانه‌ای نیز که کلنل زالاطرف در سال ۱۳۰۶ خورشیدی پیرامون جزئیات بنیه نظامی و وضعیت سوق الجیشی ایران، و شیوه‌ها و راههای مناسب برای حمله و تصرف نظامی این کشور، نوشته و در مجمع سران ارتش روسیه با حضور برادر امپراتور قرائت کرده کفلاً تأیید می‌کند. «سفر آمریکا در ایران آن روزگار نیز تصریح می‌کند که روسها بهترین نقشه‌ها را از شمال ایران کشیده بودند» ۳۰ سال پیش از آنکه زالاطرف گزارشش را بنویسد، ملکوئوفه جاسوس مشهور روسی، به امر مؤسسه جغرافیایی روسیه به شمال ایران آمده و به بررسی دقیق ایالت‌های شمالی (گیلان، مازندران و استراباد) پرداخته و اوضاع اقتصادی - نظامی و تعداد سکنه و فواصل شهرها را یکدیگر با شرح داده و حتی معلوم ساخته بود که کشتی بخار فاصله رشت تا استراباد را در چه مدتی طی می‌کند!

در زمان ناصرالدین شاه، روسها فشار شدیدی به دولت ایران می‌آوردند که از قوچان و مشهد به سمت عشق آباد روسیه جاده بکشد. در همین زمینه گفتنی است، زمانی که در سال ۱۳۰۶ ق. در استنفه آخرین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، سفر وقت روسیه در ایران پرنس نیکولای دالگوروتکی (با پرنس دالگوروتکی، سفیر ایران در زمان امیرکبیر لنتیه نشود) با خضوت تمام، حکومت ایران را جهت انجام برخی از تقاضاهای استعماری روسیه، زیر فشار شدید قرار داد و شاه ایران با وجود ناراضی، شدیداً از این امر سرلجام ناگزیر از اجابت درخواست روسها شد. یکی از این تقاضاها، اتمام راه شوسه میان مشهد و عشق آباد روسیه (مرکز تجمع و تبلیغ بهائیه) بود.

اهمیت عشق آباد برای روسها و سرمایه‌گذاری آنها روی آن، بی‌گمان ناشی از موقعیت حساس این سرزمین در دایره «استراتژی تجلوزگرانه» دربار تزاری مبنی بر لشغال ماوراء النهر و سلطه بر شمال ایران بود. جمشید کیان‌فر، پژوهشگر معاصر، با شرح تجاوز

نظامی گام به گام روسهای تزاری به ایلات شمالی خراسان بزرگ ایران (ترکستان، مرو، بخارا و...) در عصر قاجار، بخوبی سیاست اشغالگرانه آنان در منطقه را ترسیم کرده است.

بر پایه آنچه گفتیم، می‌توان دریافت که بنای عشق آباد، در واقع، جزئی از استراتژی تجاوزگرانه روسیه در طول قرن ۱۹ (مبنی بر بلع شمال ایران) بوده است که با تصرف و تسخیر نظامی پیاپی ایلات شمال و غرب خراسان بزرگ قدیم (مرو، سرخس، بخارا و...) آغاز شده بود، و موضوعاتی چون تجمع بهائیان و تشکیل مشرق الاذکار آنان در آن شهر با حمایت جدی و آشکار روسیه، رایجی در چارچوب استراتژی یادشده فهمید و ارزیابی کرد. کسروی می‌نویسد:

آنچه دستمایم [حسینعلی] بهاء در تهران با کارکنان سیاسی روس بهمبستگی می‌داشته و این بوده چون به زندان افتاد روسیان به رهاییش کوشیده و از تهران تا بغداد غلامی از کنسولخانه همراهش گردانیده‌اند پس از آن نیز دولت امپراتوری روس در نهن و آشکار هواداری از بهاء، دسته او نشان می‌داده این است در عشق آباد و دیگر جاها آزادی به ایشان داده شد.

در زمان ناصرالدین شاه، روسها فشار شدیدی به دولت ایران می‌آوردند که از قوچان و مشهد به سمت عشق آباد روسیه جاده بکشد. در همین زمینه گفتنی است، زمانی که در سال ۱۳۰۶ ق. در استنفه آخرین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، سفر وقت روسیه در ایران پرنس نیکولای دالگوروتکی (با پرنس دالگوروتکی، سفیر ایران در زمان امیرکبیر لنتیه نشود) با خضوت تمام، حکومت ایران را جهت انجام برخی از تقاضاهای استعماری روسیه، زیر فشار شدید قرار داد و شاه ایران با وجود ناراضی، شدیداً از این امر سرلجام ناگزیر از اجابت درخواست روسها شد. یکی از این تقاضاها، اتمام راه شوسه میان مشهد و عشق آباد روسیه (مرکز تجمع و تبلیغ بهائیه) بود.

اهمیت عشق آباد برای روسها و سرمایه‌گذاری آنها روی آن، بی‌گمان ناشی از موقعیت حساس این سرزمین در دایره «استراتژی تجلوزگرانه» دربار تزاری مبنی بر لشغال ماوراء النهر و سلطه بر شمال ایران بود. جمشید کیان‌فر، پژوهشگر معاصر، با شرح تجاوز

افتندی است که بعداً از بهائیت به اسلام بازگشت و دو کتب در فقهی ماهیت و مظلّم آنان نوشت. وی، که در ایام بهائیگری، عشق آباد و مرکز بهائیت در آنجا را از نزدیک دیده می‌نویسد، «در این شهر [عشق آباد] و شهرهای دیگر مسلمان نشین همه بهائیان آزاد بودند و فرمانروای روس تزاری دست آنها را در هر کار باز گذاشته بود چنانکه به نام مشرق الاذکار نمازخانه ساخته بودند... و پادشاهان و فرمانروایان روس به بهائیان کومک [کذا] شایانی می‌کردند...».

تفصیل ماجرای بنای مشرق الاذکار به نوشته فاضل مازندرانی چنین است: حاجی میرزا محمد علی افغان شیرازی (پسر دایی علی محمد باب) در ۱۳۰۴ ق. طبق دستور بهاء، زمین مشهور به زمین اعظم را از صاحب آن خرید و عمارتی بر ساختمان آن افزود که تا ۱۶ سال بهائیان از آنجا به عنوان معبد استفاده می‌کردند و محافظان در آنجا برگزار می‌شد. در ۱۳۱۷ حاجی میرزا محمد تقی افغان (میاننده تجاری و وکیل الدوله دولت روسیه) و برادر میرزا محمد علی فوق الذکر، از جلب عباس افندی ملهور ساختن مشرق الاذکار شد. وکیل الدوله در ۱۳۱۹ به عشق آباد آمد و با مساعدت محفل بهایی در آن شهر کار تخریب ساختمان موجود در زمین اعظم را برای احداث مشرق الاذکار در ۲۸ رجب ۱۳۲۰ آغاز کرد. «در آن وقت تمام بهائیان عشق آباد و اطراف به هزار نمی‌رسیدند». در رمضان ۱۳۲۰ زئرال «سویوتیچ، ولی بلد که... محبت ابرار [= بهائیان را] در دل داشت جمعی کثیر از اعضاء حکومتی و هم جمعیتی کثیر از بهائیان حاضر شده و در وسط عمارت که مرتفعتر از همه جا بود چادر افراشته زینت نموده فرشهای نفیس گسترده و میز و کراسی «چیدند و فوانه و حلویات که درخور حضور جنرال مذکور بود حاضر ساختند و جنرال، اوراق تاریخ بنا که به خط روسی و هم فارسی مرقوم شده] و در جمعی فتنه» قرار داشت در محلی که برای دفن محقر گشت زیر اولین سنگ بنانهاده و در حالی که از جهت بنای معبد کردند و تنی از بهائیان خطابه‌ای] مشتمل بر حمد و ثنای الهی و ذکر خیر سلاطین عادل و وزراء، کامل انشاء، قرائت کرد و احاد بهائیان به مدح و دعای دولت عادلّه [روسیه] رطب اللسان گشتند...».

پس از آن بهائیان با فوریت و سرعت دست به کار شدند و مجموعاً در طول ۵ سال عملیات احداث مشرق الاذکار را به پایان رسانیدند «در اولین سال که مشرق الاذکار بنیاد شد چون بهائیان از حکومت [روسیه] مهندس کاردلی خواستند... اکتف که مهندس کامل بود تعیین گردید و مقارن بنای مشرق الاذکار، کلیسای ملی نیز در عشق آباد بنا گردید و اکتف، مهندس این هر دو بنا بود و در کمال فعالیت و جدیت کار کرد و در حقیقت به کفایت او بود که عمده عمارت بدین عظمت در ظرف دو سال ساخته شد...» وکیل الدوله در شول ۱۳۲۸ با بدرقه گرم بهائیان، عشق آباد را به عزم دیدار با عباس

کسروی:  
[حسینعلی] بهاء  
در تهران با کارکنان سیاسی  
روس بهمبستگی می‌داشته  
و این بوده [که] چون به زندان  
افتاد روسیان به رهاییش  
کوشیده و از تهران تا بغداد  
غلامی از کنسولخانه همراهش  
گردانیدند

فضل الله صبحی مهتدی، منشی و کاتب عباس



### پیامدهای یک قتل

یکی از شواهد آشکار حمایت روسها از بهائیان در عشق آباد را می‌توان در ماجرای قتل محمد رضا اصفهانی (محررم ۱۳۰۷ق) دید که فردی بهائی و مقیم عشق آباد بود و به مقدسات مسلمانان اهانت می‌کرد. «الکتاب الدرر» (تاریخ مشهور بهائی) قتل اصفهانی را به دست جمعی از ایرانیان شیعه ساکن عشق آباد می‌شمارد. اما برخی از نویسندگان، قتل مزبور را حادثه‌ای «مرموز» شمرده و می‌گویند: «این احتمال منتهی نبود که وی به دست خود بهائیان کشته شده باشد چه سران این فرقه گاه بهائیان را که چشم و گوششان باز شده و به اسرار پشت پرده واقف شده‌اند، به قتل می‌رسانند و سپس (با انتساب قتل به دیگران) برایش توجیه و عذرازه می‌نمایند و فرد یادشده نیز می‌توانست از همین موارد باشد.»<sup>۱</sup> به نوشته لک‌نوکاب اندریه، پس از قتل اصفهانی، لولفضل گلپایگانی (مبلغ مشهور بهائی) و جمعی از بهائیان با قمرآف (کاماروف) «که ژنرال روسیه» و حاکم «خوززم» و ترکیه‌ای بوده، در عمارت حکومتی دیدار کردند و کماروف «با غایت ملاطفت و مهربانی... مقصود از ملاقات» آنها را پرسید و گلپایگانی با تأکید بر اینکه «قریب نه سال است این طایفه بهائیه در ظل مرحمت دولت بیهیبه در عشق آباد متوقف و به تجارت و زراعت مشغولند» اظهار داشت که «حزب شیعه» یکی از بهائیان را کشته و باز هم قصد تعرض دارند و او اکنون مقصود از مزاحمت اینکه آنچه لولایی ایلت لمر و مقرر فرماید اطاعت شود و بدون لذن و اطلاع بزرگان بلد حرکتی نکنیم.»<sup>۲</sup>

پس از آن دیدار و گفتگو که ژنرال روسی «با کمال رفتگی» با آنان «معامله» و رفتار می‌کند، خشارنرسی قضای عسکر روسیه (سود انظمام) برای تحقیق پیرامون حادثه و صدور حکم قضایی دربارهٔ عاملین آن از سوی تزار به عشق آباد می‌آید و نهایتاً به نفع بهائیان داوری و حکم به قتل دو تن از مسلمین و نفی ابد و طولانی چند تن دیگر می‌دهد و هنگام اجرای حکم اعدام، مجزرات آن دورا نیز به تبعید و حبس ۱۵ ساله در سبیری (یعنی در واقع مرگ تدریجی با اعمال شاقه) تغییر می‌دهند و منتش را بر سر مسلمانها می‌پنهند که به اصطلاح بهائیان، قاتلان را بخشیده و از مرگ نجات داده‌اند؟ گلپایگانی، خود در نامه به میرزا اسدالله خان خلطرنشان می‌سازد که «او عدالتی که از دولت قوهٔ خطنروسیه اطال الله ذلها من المغررب الی المشرق و من لشمال الی الجنوب در این محاکمه ظاهر شد شلیسته ثبت در تواریخ و سزاول مذاکرهٔ دوستان در جمیع دیار و بلدان است... و جمیع دوستان به دعای دوام عمر و دولت و ازادان حشمت و شوکت اعلی حضرت امیراطور اعظم الکساندر سوم و اولیا، دولت قوی شوکتش لشتغال ورتزند.»<sup>۳</sup>

بعد از آن هم «بهائیان عشق آباد رسمیت و اهمیت یافتند» و در ۱۳۱۱ق «مدرسه رسمی افتتاح دادند و در» ۱۳۲۰ق «معبد جلیل و مشرق الاذکار عظیم برپا کردند.»<sup>۴</sup> به قول آواره «بعد از شهادت حاجی محمد رضا و محاکماتی که به عمل آمد دولت روس بهائیان را به رسمیت شناخت و قمرآف [= کاماروف] حاکم ترکستان، با معاونت و مساعدت ایشان پرداخت. حتی خودش اظهار کرد که در اینجا معبد بسازید تا در ظل قاتل دولت روسیه رسمیت یابید از آن به بعد بهائیان دم به دم و قدم به قدم رو به سرمنزل ترقی ره فرساشدند تا آنکه پس از قلیل مدتی مدرسه رسمی در همان زمین انظمام افتتاح دادند.»<sup>۵</sup>

طورها خیلی سخت و وزیر مختار بگو و به همین مضامین هم تلگراف رمز به میرزا محمود خان [علاالملک وزیر مختار ایران در دربار تزار] بکن. در نظر [توزیر] حرف بزنند...<sup>۶</sup>

باسخ علاالملک به امین السلطان (مورخ اواخر ۱۳۰۷ق) این حدس را تقویت می‌کند که حمایت روسها از بهائیان در ماجرای قتل محمدرضا اصفهانی، خیلی از نوعی گروهکشی سیاسی برای وادار ساختن ایران به قبول مطامع استعماری روسها در آن مقطع نبوده است. علاالملک، ضمن شرح مذاکرات خود با زینابیف (مقام برجستهٔ وزارت خارجهٔ روسیه) دربارهٔ عشق آباد و موضوع قتل محمدرضا، و پاسخهای زینابیف می‌افزاید: «لکن عمده چیزی که به این جانب گفت و مقصود، عرض آن می‌باشد این است که می‌گفت ما منتظریم از اعلی حضرت همایونی [ناصرالدین شاه] چه برهان دوستی به دولت روس بروز خواهد کرد... سپس تقاضاهای استعماری و مداخله جویانهٔ روسیه از ایران را (که آن روزها، با شدت و تندت تمام، مطرح می‌شد) از زبان زینبویف نقل می‌کند.»<sup>۷</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. آهنگ بدیع سال (۱۳۲۵) ۲۱ و ۱۱ ش ۱۲ و ۱۳، صص ۲۰۹-۲۰۸.
۲. ایران و قضیه ایران، جرج ناتیلز کزن، ترجمه قناملی وحید مازندرانی، ج ۴، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۳۳.
۳. ۸۳۷۱ هـ.م: ۱۳۷۱ به بعد، ج ۴، ایران از نطفهٔ سلامت‌آمین تا تحت الحلیگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ترجمه مریم میراحمدی، مؤسسه انتشارات مین، تهران ۱۳۴۷، ص ۱۰۷ و ۵. تبلیغ قیوم را وزیر مختار وقت ایران در بطرزبورگ (میرزا محمود خان علاء الملک) توسط جواسیس مخفی خوش جسته و ترجمه آن را همراه نامه‌ای در توضیح ماجرا در جمادی الثانی ۱۳۰۶ق برای امین السلطان (صدرانظمام ناصرالدین شاه) فرستاده است. برای متن کشیجه و نامه علاء الملک ر.ک. گزارشهای سیاسی علاءالملک، گردآوری لراهیم صلیبی، ج ۴، گروه انتشاراتی آباد، تهران ۱۳۴۲، صص ۲۶-۲۷. ضلی از این کشیجه به راه شوشه عشق آباد - خراسان، و موقعیت استراتژیک آن منطقه اختصاص دارد. ر.ک. همان، ص ۶۸ به بعد و ۶ ایران و ابرئیل، مستر تجلیسن، ص ۹۸ و ۷. ر.ک. سفرنامهٔ ایران و روسیه ملکتیوف به کوشش محمد گلین، و فرامز طایی، انتشارات دنیای کتاب، تهران ۱۳۴۴.
۴. ۱۹۲۸-۱۹۲۹ و ۱۹۲۸-۱۹۲۹، ر.ک. ایران و قضیه ایران، لرد کزن، ترجمه قناملی وحید مازندرانی، ۱۳۶۱ و ۱۳۲۲ و روس و فنلیس در ایران، فیروز کاظم زاده ۱۳۳۱، ص ۱۰. ر.ک. گزارشهای سیاسی علاءالملک، گردآوری لراهیم صلیبی، صص ۱۶۹-۱۷۶. روس و فنلیس در ایران، فیروز کاظم زاده ۱۹۲۸، صص ۱۷۶-۱۷۹. برای سلیس استمراری و تجلیز طلیقهٔ روسها در دهه ۱۳۰۱ق نسبت به شمال شرقی ایران و... ر.ک. ماخذ اخیر، صص ۱۶۹-۱۶۶. سفرنامهٔ ترکستان (لوارا، انهر، دکتر پلینو، ترجمه مادروس دل‌داخونوف به کوشش جمشید کیان فر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی [زوههگاه]، تهران ۱۳۳۳. پیشگفتار، ص ۱۷ و ۱۲. بهیگی، ج ۲، تهران ۱۳۳۳. چاپخانهٔ پیمان، ص ۸۹ و ۱۳. حقوق بکیران انگلیس در ایران، اسماعیل رفین، ص ۳۳۳ و ۱۴. سالهای سکوت، بهائیان روسیه ۱۹۲۸-۱۹۲۹. خاطرات اسدالله علیزاده، از انتشارات Australa Century Press، ۱۹۹۹مص ۱۹-۲۰ و ۱۵. همان، ص ۲۰.
۵. اسناد و مدارک دربارهٔ بهیگی (جلد دوم خاطرات صبحی، چاپ سید هادی خسروشاهی، ص ۲۷ و ۱۷. وی پسر حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی بود که دلی بزرگ میرزا علی محمد باب قندباد می‌شد. ر.ک. عهد امیر... لولفاسم اقلان، ص ۱۲۹ و ۱۸. تاریخ ظهور الحق، ج ۸، قسمت دوم، مؤسسه علمی مطبوعات امیر، ۱۳۳۳ بدیع، صص ۹۹۶-۹۹۷ و ۱۹. کرسیها، ۲۰ نقره و ۲۱. اسدالله علیزاده از بهائیان مقیم عشق آباد، ضمن اشاره به حضور ژنرال سوبوتین به نمایندگی از طرف شخص امیراطور روسیه در سال ۱۹۰۲، در مراسم گذاشتن اولین سنگ بنای مشرق الاذکار، تصویر وکیل دوله بهائیان و ژنرال روسی را آورده است. ر.ک. سالهای سکوت، صص ۲۱ و ۲۲. تاریخ ظهور الحق، همان، صص ۹۹۶-۹۹۸ و ۲۳. همان، صص ۱۰۰۰-۱۰۰۱. دربارهٔ عشق آباد بهائیا و روسها، ر.ک. خاطرات صبحی دربارهٔ بهیگی و بهیگی، چاپ دوم، تکثیروشی فروش تریز ۱۳۴۳، با مقدمهٔ سید هادی خسروشاهی، ص ۷۱ به بعد. اسناد و مدارک دربارهٔ بهیگی، فضل الله صبحی مهندی، با مقدمهٔ ایرشاد (سید هادی خسروشاهی)، نشر عصر جدید، ص ۲۷ و نیز صص ۵۶، ۵۷، ۶۰ و ۷۰ به بعد و ۲۴. ر.ک. اسناد و مدارک دربارهٔ بهیگی... ص ۷۰ به بعد و ۲۵. تاریخ ظهور الحق، صص ۱۰۰۰-۱۰۰۲. نیز ر.ک. صلیح هدایت، عزیزالله سلیمی، ۲۵ و ۲۶. اسناد و مدارک دربارهٔ بهیگی، ص ۶۰ و ۲۷. کشف الحیل، ج ۳، ص ۹۱ و ۲۸. گزارشهای سیاسی علاء الملک، صص ۲۳، ۲۴، ۲۹. همان، صص ۲۷-۲۸.

عشق آباد بودم کاملاً حس کردم که روسهای تزاری باطناً به اهل بهاء، به نظر حقارت می‌نگردند ولی ظاهراً آنها را نگاهداری می‌کنند و بهائیان هم آن قدر به روسها اطمینان دارند که تصور می‌کنند امپراطور روس می‌تواند بر اقتدار خود باقی است و سیاست روسیه هم تغییرناپذیر است و ایشان به قوهٔ اقتدار خود روس (و جمعی هم در طهران) می‌گفتند به قوهٔ اقتدار انگلیس) مسلک بهائی را به نام مذهب بر ایران [حاکم] خواهند کرد ولی بی‌خبرانشان همه را حمل بر معنویت کرده و قدم فراتر نهاده می‌گفتند همهٔ سلاطین دنیا این مذهب را در مملکت ترویج نموده به قوهٔ جبریه تنفیذ خواهند نمود.»<sup>۸</sup>

**اعتراض دولت ایران**

از اسناد و مدارک تاریخی بر می‌آید که دولت ایران، تجمع بهائیان در عشق آباد (زیر چتر حمایت روسها) را دقیقاً حرکتی سیاسی و خصومت‌آمیز بر ضد ایران تلقی می‌کرد و از آن سبیل شاک می‌بود. این امر، منضم به درج خبر درخواست «تبعیت سیاسی» توسط برخی از بهائیان از دولت روسیه در جراید، ناصرالدین شاه را به شدت عصبانی و از خطر واکنش تند علما و ملت ایران بسیار نگران ساخت. در پی این امر، در دستور العملی به خط خویش به امین السلطان (در اواخر سال ۱۳۰۷ ق) در بارهٔ اختلاف ایرانیان مسلمان و بابی مقیم عشق آباد چنین نوشت:

جناب امین السلطان، فقرهٔ بابیهٔ عشق آباد را خولدم کار بسیار بسیلر بدجوری است. فوراً رقه به وزیر مختار روسیه بنویسید و او را بخواهید. همین

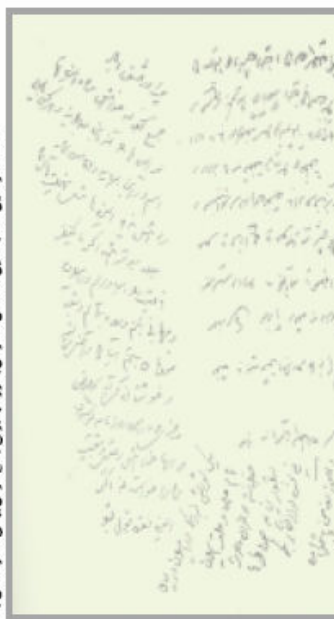
افندی ترک کرد و پس از رفتن او باز هم کار خریداری زمینهای اطراف مشرق الاذکار و توسعهٔ بنای آن بر روی آنها ادامه یافت.<sup>۹</sup>

به نوشتهٔ فضل الله صبحی: «در بالای تالار مشرق الاذکار، لوحی از عباس افندی وجود داشت که به تزار روس آفرین گفته و از خدا خواسته بود که پرچمش را بر فرزند و سایه‌اش را بر خاور و باختر بگستراند و هر نامداد، مبلغ بهائی آن لوح را با آوازی خوش برای شاگردان بهائی که به آنجا می‌آمدند می‌خواند و می‌گفت از ته دل بر تزار آفرین گویند و از خدا بخواهند که در سایه‌اش بیارمند...»<sup>۱۰</sup>

افزون بر آنچه گذشت، در سال ۱۳۳۵ق (۱۹۱۷م) مجلهٔ بهائی «خورشید خاور» به زبان فارسی و تحت مدیریت سید مهدی گلپایگانی (مبلغ مشهور بهائی) در عشق آباد تأسیس یافت. این مجله ضمن تبلیغ مسلک بهائیت، به مقالات ضد بهائی مشهد پاسخ می‌داد و این امر سبب شد که ورود آن به خراسان از سوی متدینین ممنوع گردد. لذا ورود و پخش آن در ایران، از طریق گیلان انجام می‌گرفت. پس از انقلاب اکتبر چند بار مجله تعطیل شد ولی با دوندگی بهائیان مجدداً جواز نشر یافت.<sup>۱۱</sup>

فضل الله صبحی ضمن شرح خاطرات ایام تبلیغ خویش به نفع بهائیت در مرو و عشق آباد، پرده از ماهیت نشریات این فرقه در روسیه برداشته است:

«از بخارا بار دیگر به مرو آمدم چون به مرو رسیدیم میرزا منیر نبیلزاده و سید اسدالله قمی و سید مهدی گلپایگانی و چند نفر مبلغ دیگر در آنجا بودند و هر شب انجمن داشتند سید مهدی



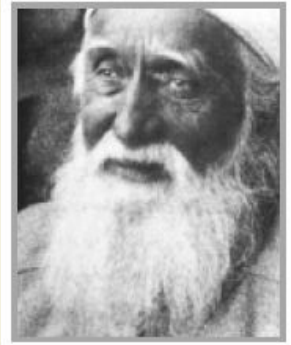
قسمت‌افز استگن میرزا ابوالفضل گلپایگانی بود و از همه مبلغان در دانش و هوش و فروتنی پیشی داشت در روز نخست به اسم بازرگانی به عشق آباد رفت و با سید مصطفی صادق اف اصفهانی همراه شد. آشکارا داد و ستد چایی سبزی می‌کرد و در نهان مبلغ بود و همچنین با مردی روس به نام کنستنتین میخائیلویچ فیروف همراه شد این مرد روسی، سالی ده هزار متل از دربار تزار می‌گرفت و روزنامه‌ای به اسم «مجموعهٔ ماوراء بحر خزر» به زبان پارسی چاپ و پخش می‌کرد و به ایران می‌فرستاد. این سید مهدی در آن روزنامه کار می‌کرد و ماهیانه می‌گرفت و به سود آتل و زبان ایران سخنهایی می‌نوشت و ترجمه‌ها می‌کرد.»<sup>۱۲</sup>

آواره (مبلغ بهائی) که بعدها از بهائیت برگشته و با عنوان «ابن» کتاب «کشف الحیل» را بر ضد آنان نگاشت، خاطر نشان می‌سازد: «در ایامی که در

**درج خبر درخواست «تبعیت سیاسی» توسط برخی از بهائیان از دولت روسیه در جراید، ناصرالدین شاه را به شدت عصبانی و از خطر واکنش تند علما و ملت ایران بسیار نگران ساخت**



برخورد دو گانه



عبدالحسین آیتی در کشف الحیل. به برخورد دوگانه و متلون عباس افندی با بلشویکها اشاره دارد. به نوشته وی، عباس افندی نخست در الواح خویش، از «فتنه» بلشویک و بدبهای آن سخن گفت، اما زمانی که دید بلشویکها «بر خلاف انتظار او پیشرفتی کرده‌اند و دوستانش در روسیه هر روز به او راپرت» می‌دهند که چنین و چنان شده... دستور داد که مبلغ بفرستند به مسکو و به مصادر امر تفهیم نمایند که ما هم بالشوویک هستیم، منتهی ما می‌خواهیم از راه مذهب، اشتراک را مجری داریم و شما از راه سیاست!

فردی هم که برای مذاکره به مسکو ارسال شد، سید مهدی گلپایگانی، خواهرزاده میرزا ابوالفضل گلپایگانی مشهور، بود. به گفته آیتی: «سیاست و پلنیک» عباس افندی این بود که «هر وقت می‌دید یک حرفهای تازه‌ای» در دنیا نسبت به شاهی یا قانونی پیدا شده تا چندی با آن مخالفت می‌کرد که اگر استمراری نیفت بگوید ما آن روز چنین و چنان گفتیم و اگر قرار می‌گرفت فوری برده را عوض می‌کرد. چنانکه در برابر جنبش مشروطیت، این برخورد دوگانه را اتخاذ کرد. «بنابر اصل، از موقع انقلاب روسیه تا استقرار بالشوویکی در ظرف دو سال اخیر هر وقت لوح به ایران می‌فرستاد به روسها بد گفته بود و بالشوویک را بدخواه بود و اگرچه به قول حاجی اصفهانی بروجردی که خودش حامل لوحی بوده است گفت: این بدگویی از بالشوویک هم در لوحی بود که به ایران می‌فرستاد و گرنه لوحی که به عشق آباد و بادکوبه می‌فرستاد آن قدر تعریف از بالشوویک بود که همه را با خدای خود شریک کرده بود. ولی اخیراً علاجی جز این ندیده بود که از دوستی درآید و لذا به بهائیان عشق آباد نوشت که تهیه سفر سید مهدی گلپایگانی به مسکو را ببینند»

بی‌نوشتها: ۱. کشف الحیل، ج ۳، ص ۲۱۵ به بعد.

باقر اوف؛ بهائی و «روس‌فیل»

خوابی که تعبیر نشد!

ابوذر مظاهری

سید اسدالله باقر اوف و برادرش (سید نصرالله سید رضا، سید محمود و آقا میرعلیق باقر اوف) که به «سادت خمسه» شهرت داشتند، از ثروتمندترین و بلغودترین بهائیان گیلان و تهران در عصر قاجار به شمار می‌رفتند. بزرگترین ایشان سید نصرالله باقر اوف بود که «در طهران از اعیان بزرگ به شمار می‌آمد و تا زنده بود در سیل امراالله فداکاری و برای جمعه‌احباب گره‌گشایی می‌کرده» آیتی شرح می‌دهد که چگونه نصرالله باقر اوف تلاش می‌کرد سپهسالار تنکابنی (یکی از دو فاتح بزرگ مشروطه) را به بهائیت جلب کند. ولی تیرش به سنگ خورد.

مسئوب نیکیتین، کنسول روسیه در ایران عصر قاجار، می‌نویسد: در موقع اقامت در رشت با فرقه بهائی ارتباط پیدا کردم و راهنمای من باقر اوف بوده. وی، سپس ضمن شرح روابط خود با آنها می‌فرزاید: «در خاطر من هست که یکی از مبلغین این فرقه در موقعی که به عکا می‌رفت، موقع ورود به رشت از من ملاقاتی کرد و چند ماه بعد در آغاز سال ۱۹۱۴ مراجعت نمود و از عبدالبهاء نامه‌ای برای من آورد. رئیس این طایفه در آن نامه از من تمجیداتی کرده بود که لبته خود شایسته آن نبودم، مثلاً در این نامه پنهانانه دهنده محرومین خطاب نموده و تشکر کرده بود که من پرچم عدالت و انصاف و غیره را بلند کرده‌ام از خواندن این نامه و نوشته‌های دیگر از تعلیمات مؤسس این فرقه اطلاع حاصل کردم که آنها پیوسته بر ضد هر نوع تعصب ملی و مذهبی و نژادی مبارزه می‌کنند»



سید اسدالله باقر اوف

ظهورالدوله (رئیس انجمن اخوت) که در جریان آخرین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ (۱۳۱۷ق) همراه شاه بوده و در فرزین با سید اسدالله باقر اوف دیدار و گفتگو داشته است، شدیداً از «روس‌مانی» سید اسدالله انتقاد می‌کند زیرا وی فردی ایرانی، آن هم سید و از ولاد پیامبر اسلام<sup>ص</sup> بود و کسوت و روحانیت بر تن داشت، اما لسمی روسی: «باقر اوف» را انتخاب کرده بود (سپوند «اوف» در زبان روسی، معادل واژه «زاده» در فارسی می‌باشد. بنابراین، معادل فارسی باقر اوف بقرزاده می‌شود) علاوه بر این، باقر اوف در گفتگو با ظهیرالدوله به جای نام ایرانی برخی از تشابه واژه‌های روسی آنها را به کار می‌برد (مثلاً به جای مرتب دولت، واژه «چرنیل» را به کار برده بود که معادل روسی آن است) ظهیرالدوله در بخش خاطرات عبور از رشت در آن سفر، ضمن اشاره به دیدارش با ناباب و مترجم کنسولگری روسیه در رشت، فرصت را برای انتقاد مجدد از سید اسدالله باقر اوف مغتنم می‌شمرد:

«در رشت... میرزا عبدالله خان، نواب ناباب و مترجم اول فونسلگری روس در گیلان، پیش من آمد. ظاهراً بد آدمی نیست و حال آنکه نوکر روس و تبعه روس، و قریب سی سال است در فونسلخه روسها خدمت می‌کند آدم وطن پرستی به نظر آمد یا نمی‌دانم که

شدت پلنیک به ملاحظه من آن حرفها را می‌زد، به عکس سید اسدالله باقر اوف که سید و ایرانی و تبعه ایران و تاجر ایران است و در مهمانخانه فرزین دید که من پوستین همراه دارم، به حالت تمسخر از من پرسید پوستین مال کیست؟ گفتم مال من است و برای سفر، خیلی خوب؛ لبس گرم راحتی است و هم به منزله دوشک است و هم کار لحاف [را] می‌کند. خنده‌زیر لبی کرده گفت خیر آقا، این پالتوهای روسی خیلی خوب و بهتر از پوستین است و گفت: هر وقت به بادکوبه می‌روم، عمده سبزو قیای راسته و عبا را تبدیل به کلاه روسی و نیم تنه و پالتو می‌کنم من بعد از یکی دو دقیقه سکوت، گفتم خوب می‌کنید

سید اسدالله باقر اوف کسی بود که از تخم مرغ فروشی در رشت به مرتبه میلیونی رسیده بود و بهائیان، دستیابی وی را به ثروت میلیونی نشی از

فرمان عباس‌فندی و به دعوت باقر اوف جهت تبلیغ مردم به بهائیت به تهران آمد. عضو محرم دلمی محفل روحلی بهائیت در پایتخت شد. در خانه باقر اوف و پیشکارس (سید شهاب) به جوانان بهائی درس داد و توسط باقر اوف با «چند نفر وزرای معزول و بیکار» وقت ایران دیدار و به تبلیغ (نافرجام) آنان پرداخت.

آیتی، که مدت ۶ ماه شب و روز با باقر اوف معاشر بوده است، تحت عنوان «افکار باقر اوف» می‌نویسد:

«تصور و عقیده او این بود که امر بهائی بر اثر مساعدت خارجیها عالمگیر می‌شود و اولین نقطه که حائز لاهمیت خواهد شد طهران خواهد بود و نخستین کسی که مقرب شده به ریاستهای سرشار خواهد رسید او و خانواده او خواهد بود، و اگر نیست و وصلتی هم با عبدالبهاء داشته باشند این ریاست الی الابد در خاندان او باقی می‌ماند... حتی روزی اعتراض به ریاست وزرای سپهتار رشتی کردم دیدم جدا با حالت رقابت صحبت می‌کند گفتم اگر شما خود به جای او بودید می‌دیدید چقدر کار اجتماعی و ریاست مملکتی مشکل و پرزحمت است، بایک وجهه جدی گفت: اگر مملکت را به دست من دهند به فاصله یک هفته درست می‌کنم گفتم: مثلاً چه می‌کنید؟ گفت: مردم را مجبور می‌کنم که بهائی شوند، گفتم: آن وقت کار درست می‌شود؟ گفت: بلی، گفتم: چرا جمعیت به این کمی که در همه طهران یاقصد نفر مرد و منتهی هزار و دویست نفر زن و مرد و بچه بهائی هست نمی‌توانند کارهای خود را اداره کنند؟ چرا هر روز در میشلن نزاع است؟ چرا باید محفل اصلاح (و به قول خودتان) عدلیه روحانی! کارهائشان را اصلاح نمایند؟ و چرا باید محفل روحانی (و به قول للبهان احباب) پارلمان امری نتواند یک مدرسه هفت کلاسه را اداره کند؟.. خلاصه اینها را که شنید رنگش برقر و خوت و بالاخره گفت چون قدرت ندرم و تولید هم با من نیست، اگر سرکار آقا

«عباس افندی» به ایران بیایند همه کارها درست می‌شود! گفتم: حتی وزارت شما؟ گفت: بلکه رئیس لوزرای ایران برای من حتمی است. گفتم: پس خوب است یک منزل صحیح برای ورود سرکار آقا تهیه کنید گفت گراند هتل را به همان قصد ساخته‌ام. محملاً این لوها به قدری در مغز و دماغ او ریشه برده بود که با هزار تشبه ممکن نبود یک شاخه آن را قطع کرد... و برای دستیابی به همین مقصود نیز ۸۰ هزار تومان مسکن ملزندان را پیشکش عباس افندی کرد و در صدد وصلت میل دختر وی برای فرزندش میرزا جلال و حیل‌های دیگر برآمد که البته وصلت مزبور سر نگرفت»

بی‌نوشتها

۱. مصالح هدایت، ۴۷۶۵ ج ۱، ج ۱، ص ۲۷۳۶، ۲۷۳۷، ۲۷۳۸، ۲۷۳۹، ۲۷۴۰، ۲۷۴۱، ۲۷۴۲، ۲۷۴۳، ۲۷۴۴، ۲۷۴۵، ۲۷۴۶، ۲۷۴۷، ۲۷۴۸، ۲۷۴۹، ۲۷۵۰، ۲۷۵۱، ۲۷۵۲، ۲۷۵۳، ۲۷۵۴، ۲۷۵۵، ۲۷۵۶، ۲۷۵۷، ۲۷۵۸، ۲۷۵۹، ۲۷۶۰، ۲۷۶۱، ۲۷۶۲، ۲۷۶۳، ۲۷۶۴، ۲۷۶۵، ۲۷۶۶، ۲۷۶۷، ۲۷۶۸، ۲۷۶۹، ۲۷۷۰، ۲۷۷۱، ۲۷۷۲، ۲۷۷۳، ۲۷۷۴، ۲۷۷۵، ۲۷۷۶، ۲۷۷۷، ۲۷۷۸، ۲۷۷۹، ۲۷۸۰، ۲۷۸۱، ۲۷۸۲، ۲۷۸۳، ۲۷۸۴، ۲۷۸۵، ۲۷۸۶، ۲۷۸۷، ۲۷۸۸، ۲۷۸۹، ۲۷۹۰، ۲۷۹۱، ۲۷۹۲، ۲۷۹۳، ۲۷۹۴، ۲۷۹۵، ۲۷۹۶، ۲۷۹۷، ۲۷۹۸، ۲۷۹۹، ۲۸۰۰، ۲۸۰۱، ۲۸۰۲، ۲۸۰۳، ۲۸۰۴، ۲۸۰۵، ۲۸۰۶، ۲۸۰۷، ۲۸۰۸، ۲۸۰۹، ۲۸۱۰، ۲۸۱۱، ۲۸۱۲، ۲۸۱۳، ۲۸۱۴، ۲۸۱۵، ۲۸۱۶، ۲۸۱۷، ۲۸۱۸، ۲۸۱۹، ۲۸۲۰، ۲۸۲۱، ۲۸۲۲، ۲۸۲۳، ۲۸۲۴، ۲۸۲۵، ۲۸۲۶، ۲۸۲۷، ۲۸۲۸، ۲۸۲۹، ۲۸۳۰، ۲۸۳۱، ۲۸۳۲، ۲۸۳۳، ۲۸۳۴، ۲۸۳۵، ۲۸۳۶، ۲۸۳۷، ۲۸۳۸، ۲۸۳۹، ۲۸۴۰، ۲۸۴۱، ۲۸۴۲، ۲۸۴۳، ۲۸۴۴، ۲۸۴۵، ۲۸۴۶، ۲۸۴۷، ۲۸۴۸، ۲۸۴۹، ۲۸۵۰، ۲۸۵۱، ۲۸۵۲، ۲۸۵۳، ۲۸۵۴، ۲۸۵۵، ۲۸۵۶، ۲۸۵۷، ۲۸۵۸، ۲۸۵۹، ۲۸۶۰، ۲۸۶۱، ۲۸۶۲، ۲۸۶۳، ۲۸۶۴، ۲۸۶۵، ۲۸۶۶، ۲۸۶۷، ۲۸۶۸، ۲۸۶۹، ۲۸۷۰، ۲۸۷۱، ۲۸۷۲، ۲۸۷۳، ۲۸۷۴، ۲۸۷۵، ۲۸۷۶، ۲۸۷۷، ۲۸۷۸، ۲۸۷۹، ۲۸۸۰، ۲۸۸۱، ۲۸۸۲، ۲۸۸۳، ۲۸۸۴، ۲۸۸۵، ۲۸۸۶، ۲۸۸۷، ۲۸۸۸، ۲۸۸۹، ۲۸۹۰، ۲۸۹۱، ۲۸۹۲، ۲۸۹۳، ۲۸۹۴، ۲۸۹۵، ۲۸۹۶، ۲۸۹۷، ۲۸۹۸، ۲۸۹۹، ۲۹۰۰، ۲۹۰۱، ۲۹۰۲، ۲۹۰۳، ۲۹۰۴، ۲۹۰۵، ۲۹۰۶، ۲۹۰۷، ۲۹۰۸، ۲۹۰۹، ۲۹۱۰، ۲۹۱۱، ۲۹۱۲، ۲۹۱۳، ۲۹۱۴، ۲۹۱۵، ۲۹۱۶، ۲۹۱۷، ۲۹۱۸، ۲۹۱۹، ۲۹۲۰، ۲۹۲۱، ۲۹۲۲، ۲۹۲۳، ۲۹۲۴، ۲۹۲۵، ۲۹۲۶، ۲۹۲۷، ۲۹۲۸، ۲۹۲۹، ۲۹۳۰، ۲۹۳۱، ۲۹۳۲، ۲۹۳۳، ۲۹۳۴، ۲۹۳۵، ۲۹۳۶، ۲۹۳۷، ۲۹۳۸، ۲۹۳۹، ۲۹۴۰، ۲۹۴۱، ۲۹۴۲، ۲۹۴۳، ۲۹۴۴، ۲۹۴۵، ۲۹۴۶، ۲۹۴۷، ۲۹۴۸، ۲۹۴۹، ۲۹۵۰، ۲۹۵۱، ۲۹۵۲، ۲۹۵۳، ۲۹۵۴، ۲۹۵۵، ۲۹۵۶، ۲۹۵۷، ۲۹۵۸، ۲۹۵۹، ۲۹۶۰، ۲۹۶۱، ۲۹۶۲، ۲۹۶۳، ۲۹۶۴، ۲۹۶۵، ۲۹۶۶، ۲۹۶۷، ۲۹۶۸، ۲۹۶۹، ۲۹۷۰، ۲۹۷۱، ۲۹۷۲، ۲۹۷۳، ۲۹۷۴، ۲۹۷۵، ۲۹۷۶، ۲۹۷۷، ۲۹۷۸، ۲۹۷۹، ۲۹۸۰، ۲۹۸۱، ۲۹۸۲، ۲۹۸۳، ۲۹۸۴، ۲۹۸۵، ۲۹۸۶، ۲۹۸۷، ۲۹۸۸، ۲۹۸۹، ۲۹۹۰، ۲۹۹۱، ۲۹۹۲، ۲۹۹۳، ۲۹۹۴، ۲۹۹۵، ۲۹۹۶، ۲۹۹۷، ۲۹۹۸، ۲۹۹۹، ۳۰۰۰، ۳۰۰۱، ۳۰۰۲، ۳۰۰۳، ۳۰۰۴، ۳۰۰۵، ۳۰۰۶، ۳۰۰۷، ۳۰۰۸، ۳۰۰۹، ۳۰۱۰، ۳۰۱۱، ۳۰۱۲، ۳۰۱۳، ۳۰۱۴، ۳۰۱۵، ۳۰۱۶، ۳۰۱۷، ۳۰۱۸، ۳۰۱۹، ۳۰۲۰، ۳۰۲۱، ۳۰۲۲، ۳۰۲۳، ۳۰۲۴، ۳۰۲۵، ۳۰۲۶، ۳۰۲۷، ۳۰۲۸، ۳۰۲۹، ۳۰۳۰، ۳۰۳۱، ۳۰۳۲، ۳۰۳۳، ۳۰۳۴، ۳۰۳۵، ۳۰۳۶، ۳۰۳۷، ۳۰۳۸، ۳۰۳۹، ۳۰۴۰، ۳۰۴۱، ۳۰۴۲، ۳۰۴۳، ۳۰۴۴، ۳۰۴۵، ۳۰۴۶، ۳۰۴۷، ۳۰۴۸، ۳۰۴۹، ۳۰۵۰، ۳۰۵۱، ۳۰۵۲، ۳۰۵۳، ۳۰۵۴، ۳۰۵۵، ۳۰۵۶، ۳۰۵۷، ۳۰۵۸، ۳۰۵۹، ۳۰۶۰، ۳۰۶۱، ۳۰۶۲، ۳۰۶۳، ۳۰۶۴، ۳۰۶۵، ۳۰۶۶، ۳۰۶۷، ۳۰۶۸، ۳۰۶۹، ۳۰۷۰، ۳۰۷۱، ۳۰۷۲، ۳۰۷۳، ۳۰۷۴، ۳۰۷۵، ۳۰۷۶، ۳۰۷۷، ۳۰۷۸، ۳۰۷۹، ۳۰۸۰، ۳۰۸۱، ۳۰۸۲، ۳۰۸۳، ۳۰۸۴، ۳۰۸۵، ۳۰۸۶، ۳۰۸۷، ۳۰۸۸، ۳۰۸۹، ۳۰۹۰، ۳۰۹۱، ۳۰۹۲، ۳۰۹۳، ۳۰۹۴، ۳۰۹۵، ۳۰۹۶، ۳۰۹۷، ۳۰۹۸، ۳۰۹۹، ۳۱۰۰، ۳۱۰۱، ۳۱۰۲، ۳۱۰۳، ۳۱۰۴، ۳۱۰۵، ۳۱۰۶، ۳۱۰۷، ۳۱۰۸، ۳۱۰۹، ۳۱۱۰، ۳۱۱۱، ۳۱۱۲، ۳۱۱۳، ۳۱۱۴، ۳۱۱۵، ۳۱۱۶، ۳۱۱۷، ۳۱۱۸، ۳۱۱۹، ۳۱۲۰، ۳۱۲۱، ۳۱۲۲، ۳۱۲۳، ۳۱۲۴، ۳۱۲۵، ۳۱۲۶، ۳۱۲۷، ۳۱۲۸، ۳۱۲۹، ۳۱۳۰، ۳۱۳۱، ۳۱۳۲، ۳۱۳۳، ۳۱۳۴، ۳۱۳۵، ۳۱۳۶، ۳۱۳۷، ۳۱۳۸، ۳۱۳۹، ۳۱۴۰، ۳۱۴۱، ۳۱۴۲، ۳۱۴۳، ۳۱۴۴، ۳۱۴۵، ۳۱۴۶، ۳۱۴۷، ۳۱۴۸، ۳۱۴۹، ۳۱۵۰، ۳۱۵۱، ۳۱۵۲، ۳۱۵۳، ۳۱۵۴، ۳۱۵۵، ۳۱۵۶، ۳۱۵۷، ۳۱۵۸، ۳۱۵۹، ۳۱۶۰، ۳۱۶۱، ۳۱۶۲، ۳۱۶۳، ۳۱۶۴، ۳۱۶۵، ۳۱۶۶، ۳۱۶۷، ۳۱۶۸، ۳۱۶۹، ۳۱۷۰، ۳۱۷۱، ۳۱۷۲، ۳۱۷۳، ۳۱۷۴، ۳۱۷۵، ۳۱۷۶، ۳۱۷۷، ۳۱۷۸، ۳۱۷۹، ۳۱۸۰، ۳۱۸۱، ۳۱۸۲، ۳۱۸۳، ۳۱۸۴، ۳۱۸۵، ۳۱۸۶، ۳۱۸۷، ۳۱۸۸، ۳۱۸۹، ۳۱۹۰، ۳۱۹۱، ۳۱۹۲، ۳۱۹۳، ۳۱۹۴، ۳۱۹۵، ۳۱۹۶، ۳۱۹۷، ۳۱۹۸، ۳۱۹۹، ۳۲۰۰، ۳۲۰۱، ۳۲۰۲، ۳۲۰۳، ۳۲۰۴، ۳۲۰۵، ۳۲۰۶، ۳۲۰۷، ۳۲۰۸، ۳۲۰۹، ۳۲۱۰، ۳۲۱۱، ۳۲۱۲، ۳۲۱۳، ۳۲۱۴، ۳۲۱۵، ۳۲۱۶، ۳۲۱۷، ۳۲۱۸، ۳۲۱۹، ۳۲۲۰، ۳۲۲۱، ۳۲۲۲، ۳۲۲۳، ۳۲۲۴، ۳۲۲۵، ۳۲۲۶، ۳۲۲۷، ۳۲۲۸، ۳۲۲۹، ۳۲۳۰، ۳۲۳۱، ۳۲۳۲، ۳۲۳۳، ۳۲۳۴، ۳۲۳۵، ۳۲۳۶، ۳۲۳۷، ۳۲۳۸، ۳۲۳۹، ۳۲۴۰، ۳۲۴۱، ۳۲۴۲، ۳۲۴۳، ۳۲۴۴، ۳۲۴۵، ۳۲۴۶، ۳۲۴۷، ۳۲۴۸، ۳۲۴۹، ۳۲۵۰، ۳۲۵۱، ۳۲۵۲، ۳۲۵۳، ۳۲۵۴، ۳۲۵۵، ۳۲۵۶، ۳۲۵۷، ۳۲۵۸، ۳۲۵۹، ۳۲۶۰، ۳۲۶۱، ۳۲۶۲، ۳۲۶۳، ۳۲۶۴، ۳۲۶۵، ۳۲۶۶، ۳۲۶۷، ۳۲۶۸، ۳۲۶۹، ۳۲۷۰، ۳۲۷۱، ۳۲۷۲، ۳۲۷۳، ۳۲۷۴، ۳۲۷۵، ۳۲۷۶، ۳۲۷۷، ۳۲۷۸، ۳۲۷۹، ۳۲۸۰، ۳۲۸۱، ۳۲۸۲، ۳۲۸۳، ۳۲۸۴، ۳۲۸۵، ۳۲۸۶، ۳۲۸۷، ۳۲۸۸، ۳۲۸۹، ۳۲۹۰، ۳۲۹۱، ۳۲۹۲، ۳۲۹۳، ۳۲۹۴، ۳۲۹۵، ۳۲۹۶، ۳۲۹۷، ۳۲۹۸، ۳۲۹۹، ۳۳۰۰، ۳۳۰۱، ۳۳۰۲، ۳۳۰۳، ۳۳۰۴، ۳۳۰۵، ۳۳۰۶، ۳۳۰۷، ۳۳۰۸، ۳۳۰۹، ۳۳۱۰، ۳۳۱۱، ۳۳۱۲، ۳۳۱۳، ۳۳۱۴، ۳۳۱۵، ۳۳۱۶، ۳۳۱۷، ۳۳۱۸، ۳۳۱۹، ۳۳۲۰، ۳۳۲۱، ۳۳۲۲، ۳۳۲۳، ۳۳۲۴، ۳۳۲۵، ۳۳۲۶، ۳۳۲۷، ۳۳۲۸، ۳۳۲۹، ۳۳۳۰، ۳۳۳۱، ۳۳۳۲، ۳۳۳۳، ۳۳۳۴، ۳۳۳۵، ۳۳۳۶، ۳۳۳۷، ۳۳۳۸، ۳۳۳۹، ۳۳۴۰، ۳۳۴۱، ۳۳۴۲، ۳۳۴۳، ۳۳۴۴، ۳۳۴۵، ۳۳۴۶، ۳۳۴۷، ۳۳۴۸، ۳۳۴۹، ۳۳۵۰، ۳۳۵۱، ۳۳۵۲، ۳۳۵۳، ۳۳۵۴، ۳۳۵۵، ۳۳۵۶، ۳۳۵۷، ۳۳۵۸، ۳۳۵۹، ۳۳۶۰، ۳۳۶۱، ۳۳۶۲، ۳۳۶۳، ۳۳۶۴، ۳۳۶۵، ۳۳۶۶، ۳۳۶۷، ۳۳۶۸، ۳۳۶۹، ۳۳۷۰، ۳۳۷۱، ۳۳۷۲، ۳۳۷۳، ۳۳۷۴، ۳۳۷۵، ۳۳۷۶، ۳۳۷۷، ۳۳۷۸، ۳۳۷۹، ۳۳۸۰، ۳۳۸۱، ۳۳۸۲، ۳۳۸۳، ۳۳۸۴، ۳۳۸۵، ۳۳۸۶، ۳۳۸۷، ۳۳۸۸، ۳۳۸۹، ۳۳۹۰، ۳۳۹۱، ۳۳۹۲، ۳۳۹۳، ۳۳۹۴، ۳۳۹۵، ۳۳۹۶، ۳۳۹۷، ۳۳۹۸، ۳۳۹۹، ۳۴۰۰، ۳۴۰۱، ۳۴۰۲، ۳۴۰۳، ۳۴۰۴، ۳۴۰۵، ۳۴۰۶، ۳۴۰۷، ۳۴۰۸، ۳۴۰۹، ۳۴۱۰، ۳۴۱۱، ۳۴۱۲، ۳۴۱۳، ۳۴۱۴، ۳۴۱۵، ۳۴۱۶، ۳۴۱۷، ۳۴۱۸، ۳۴۱۹، ۳۴۲۰، ۳۴۲۱، ۳۴۲۲، ۳۴۲۳، ۳۴۲۴، ۳۴۲۵، ۳۴۲۶، ۳۴۲۷، ۳۴۲۸، ۳۴۲۹، ۳۴۳۰، ۳۴۳۱، ۳۴۳۲، ۳۴۳۳، ۳۴۳۴، ۳۴۳۵، ۳۴۳۶، ۳۴۳۷، ۳۴۳۸، ۳۴۳۹، ۳۴۴۰، ۳۴۴۱، ۳۴۴۲، ۳۴۴۳، ۳۴۴۴، ۳۴۴۵، ۳۴۴۶، ۳۴۴۷، ۳۴۴۸، ۳۴۴۹، ۳۴۵۰، ۳۴۵۱، ۳۴۵۲، ۳۴۵۳، ۳۴۵۴، ۳۴۵۵، ۳۴۵۶، ۳۴۵۷، ۳۴۵۸، ۳۴۵۹، ۳۴۶۰، ۳۴۶۱، ۳۴۶۲، ۳۴۶۳، ۳۴۶۴، ۳۴۶۵، ۳۴۶۶، ۳۴۶۷، ۳۴۶۸، ۳۴۶۹، ۳۴۷۰، ۳۴۷۱، ۳۴۷۲، ۳۴۷۳، ۳۴۷۴، ۳۴۷۵، ۳۴۷۶، ۳۴۷۷، ۳۴۷۸، ۳۴۷۹، ۳۴۸۰، ۳۴۸۱، ۳۴۸۲، ۳۴۸۳، ۳۴۸۴، ۳۴۸۵، ۳۴۸۶، ۳۴۸۷، ۳۴۸۸، ۳۴۸۹، ۳۴۹۰، ۳۴۹۱، ۳۴۹۲، ۳۴۹۳، ۳۴۹۴، ۳۴۹۵، ۳۴۹۶، ۳۴۹۷، ۳۴۹۸، ۳۴۹۹، ۳۵۰۰، ۳۵۰۱، ۳۵۰۲، ۳۵۰۳، ۳۵۰۴، ۳۵۰۵، ۳۵۰۶، ۳۵۰۷، ۳۵۰۸، ۳۵۰۹، ۳۵۱۰، ۳۵۱۱، ۳۵۱۲، ۳۵۱۳، ۳۵۱۴، ۳۵۱۵، ۳۵۱۶، ۳۵۱۷، ۳۵۱۸، ۳۵۱۹، ۳۵۲۰، ۳۵۲۱، ۳۵۲۲، ۳۵۲۳، ۳۵۲۴، ۳۵۲۵، ۳۵۲۶، ۳۵۲۷، ۳۵۲۸، ۳۵۲۹، ۳۵۳۰، ۳۵۳۱، ۳۵۳۲، ۳۵۳۳، ۳۵۳۴، ۳۵۳۵، ۳۵۳۶، ۳۵۳۷، ۳۵۳۸، ۳۵۳۹، ۳۵۴۰، ۳۵۴۱، ۳۵۴۲، ۳۵۴۳، ۳۵۴۴، ۳۵۴۵، ۳۵۴۶، ۳۵۴۷، ۳۵۴۸، ۳۵۴۹، ۳۵۵۰، ۳۵۵۱، ۳۵۵۲، ۳۵۵۳، ۳۵۵۴، ۳۵۵۵، ۳۵۵۶، ۳۵۵۷، ۳۵۵۸، ۳۵۵۹، ۳۵۶۰، ۳۵۶۱، ۳۵۶۲، ۳۵۶۳، ۳۵۶۴، ۳۵۶۵، ۳۵۶۶، ۳۵۶۷، ۳۵۶۸، ۳۵۶۹، ۳۵۷۰، ۳۵۷۱، ۳۵۷۲، ۳۵۷۳، ۳۵۷۴، ۳۵۷۵، ۳۵۷۶، ۳۵۷۷، ۳۵۷۸، ۳۵۷۹، ۳۵۸۰، ۳۵۸۱، ۳۵۸۲، ۳۵۸۳، ۳۵۸۴، ۳۵۸۵، ۳۵۸۶، ۳۵۸۷، ۳۵۸۸، ۳۵۸۹، ۳۵۹۰، ۳۵۹۱، ۳۵۹۲، ۳۵۹۳، ۳۵۹۴، ۳۵۹۵، ۳۵۹۶، ۳۵۹۷، ۳۵۹۸، ۳۵۹۹، ۳۶۰۰، ۳۶۰۱، ۳۶۰۲، ۳۶۰۳، ۳۶۰۴، ۳۶۰۵، ۳۶۰۶، ۳۶۰۷، ۳۶۰۸، ۳۶۰۹، ۳۶۱۰، ۳۶۱۱، ۳۶۱۲، ۳۶۱۳، ۳۶۱۴، ۳۶۱۵، ۳۶۱۶، ۳۶۱۷، ۳۶۱۸، ۳۶۱۹، ۳۶۲۰، ۳۶۲۱، ۳۶۲۲، ۳۶۲۳، ۳۶۲۴، ۳۶۲۵، ۳۶۲۶، ۳۶۲۷، ۳۶۲۸، ۳۶۲۹، ۳۶۳۰، ۳۶۳۱، ۳۶۳۲، ۳۶۳۳، ۳۶۳۴، ۳۶۳۵، ۳۶۳۶، ۳۶۳۷، ۳۶۳۸، ۳۶۳۹، ۳۶۴۰، ۳۶۴۱، ۳۶۴۲، ۳۶۴۳، ۳۶۴۴، ۳۶۴۵، ۳۶۴۶، ۳۶۴۷، ۳۶۴۸، ۳۶۴۹، ۳۶۵



# نامه‌ای که به سرقت رفت!

علیرضا جوانزاده

می‌دانیم که در پی ترور نافرمان ناصرالدین شاه توسط بابیان، حسینعلی بهاء (به اتهام شرکت در توطئه ترور شاه) دستگیر و ۴ ماه به زندان افتاد و پیش بینی می‌شد که اعدام شود ولی با فشار سفیر روسیه از زندان آزاد و به عراق (که قلمرو عثمانی محسوب می‌شد) تبعید گشت و کوتاه مدتی نگذشت که عراقی، فرارگاه بابیان و عرصه جولان آنان (بر ضد شیعیان) شد. تا آنجا که دست به ترور بعضی از فقهای تشیع نظیر آیت الله ملافاخرالدینی معروف گشودند و وی را زخمی‌های گران زدند. حکومت عثمانی نیز (که بدش نمی‌آمد از آن گروه به عنوان سنگی در ترازوی روابط «تحکیم‌آمیز» خویش با ایران بهره‌جوید) در کنترل و تنبیه بابیان تعلل می‌کرد و حتی به طور آشکار و نهان، به آنها میدان می‌داد.

این امر، اعتراض دولت ایران را برانگیخته و با فشار شدید حکومت ایران، دولت عثمانی بالاخره ناگزیر شد بهاء را همراه خانواده و یارانش از بغداد به اسلامبول و سپس ادرنه تبعید کند و نهایتاً به علت تشدید نزاعهای سخت درون گروهی بین بهاء و برادرش (صبح ازل) و نیز ارتباطات بهاء با سفارتخانه‌های غربی، او را به عکا (در فلسطین) منتقل ساخته و شدیداً تحت نظر قرار دهد.

قرائن تاریخی، از وجود روابط حسنه میان برخی از رجال عثمانی با بهاء، و پسر و جانشین او، عبدالبهاء، حکایت دارد. چنانکه عباس افندی به خواهش علی شوکت پاشا، تفسیری بر حدیث عرفانی مشهور «کنت کنزاً مخفياً» نگاشت و نیز در سفر ۱۹۱۱ به غرب، یوسف ضیا، پاشا، سفیر کبیر عثمانی در امریکا، استقبال گرمی از وی به عمل آورد و به افتخار مجلس شامی برپا کرد. در همین زمینه لوح مشهور عباس افندی در تأیید دولت عثمانی قلیل ذکر است که طی آن، «تأییدات غیبی و توفیقات صدقانی و فیوضات رحمتی» را «در مورد دولت بلند پایه عثمانی و خلافت محمدی» آرزو می‌کند و می‌خواهد که «قدرتش بر سیطره زمین مستقر شود و بر کیان عظمت پایدار گردد».

عبدالحسین آیتی (مبلغ پیشین بهائی) که سخت مورد عنایت عباس افندی قرار داشت، مدعی است که در اثنای جنگ جهانی اول، از سوی عباس افندی مأمور رسیدن لوحی ترکی در شام به دست جمال پاشا (فرمانده ارتش عثمانی) بوده که طی آن، پاشای عثمانی «برای حمله به ایران به عنوان وحدت اسلامی» تشویق شده است. و این نشان می‌دهد پیشوای بهائیت حتی ابایی نداشته که با دولت عثمانی بر ضد ایران همراهی نشان دهد. آیتی در شرح ماجرا تحت عنوان «قضیه جمال



## عباس افندی در جنگ جهانی اول لوحی خطاب به جمال پاشا (فرمانده ارتش عثمانی) نوشت که او را «برای حمله به ایران به عنوان وحدت اسلامی» تشویق می‌کرد

پاشا» می‌نویسد: «در آن اوقات که جمال پاشا در شام بود عباس افندی از جهات عدیده اضطراب داشت. اول اینکه راه ایران که مزرع حاصلخیز یا بانک و کمپانی زرخیز او است بسته شده بود. دوم آنکه می‌ترسید جمال پاشا و انور پاشا سر به سر او بگذارند و مدارک خیانت او را به دست آرند و بفهمند که او دخیل در امور سیاسی است. سوم آنکه اگر امریکا داخل جنگ شود، چنانکه شد و اگر بعد از جنگ، صلح عمومی جاری نشود، چنانکه نشد چه عذری در غیب گویی خود پیش آورد. در این ضمنها به خاطرش رسید کاغذی به جمال پاشا بنویسد و نوشت، ابتدای آن، تاریخ قیام صلاح الدین ایوبی است؛ شرحی از خدمات او به اسلام و ضمناً وعده نصرت به جمال پاشا که تو هم

موفق خواهی شد مانند صلاح الدین، و غلبه خواهی جست بر کفر (یعنی مسیحیت)، و در آخر لوح، این جمله را درج کرده بود: «شرط موفقیت این است که به ایران متفق شوید و چون ابرقین در مذهب خود مصر و متعصبانند بعد به هر قسم است ولو به حدت و شدت، ایشان را مطیع اوامر خود کرده (یعنی ایران را مقهور اراده خود کنی. اگرچه به اردو کشی باشد با هم بر نصرت اسلام قیام نمایید). این لوح در صفحه [ای] عربی و ترکی و فارسی به هم آمیخته، به خط کاتب و امضای خودش نوشته شده بود و مرا دعوت کرد که بلید در شام به جمال پاشا برسانی و اگر ممکن نشد که به لو برسانی باید فوری آن را به آب بشویی که به دست دیگری نیفتد و حتی چند دفعه گفت این لوح نباید به دست ابرقین بیفتد ولی در این حکمتی است، که اگر جمال پاشا ببیند خوب است، و هی مکر می‌کرد که در این حکمتی است، در این سری است که برای امر [بهائیت] مفید است.

من در مقام اعتدال از این سفارت عجیب، گفتم من شخص ایرانی، لباس ایرانی، که ترکی هم خوب نمی‌دم، را هم نمی‌دهند که به جمال پاشا برسم. تغییر کرد و گفت تأیید جمال مبارک به شامی رسد! به گزارش آیتی: عباس افندی سپس فینه و مولویی برای وی تهیه کرده و او را در کسوت ترک، روانه شام می‌سازد. اما معلوم نیست از «معجزه» عبدالبهاء و تأیید پدرش بود یا از صفات قلب و معجزه خود» آیتی، که وی «شب در ترن خط آهن» خویش می‌برد «او جبهه‌ای» که اسباب سفر و نوشتجات و من جمله آن لوح بود به سرقت می‌رود! آیتی می‌افزاید: «این قضیه راهمه بهائیان می‌دانند که در آن سفر جعبه نوشتجات من در ترن به سرقت رفت و خبرش به حیفار رسید و فوری [عباس] افندی، میرزا حسین بزدی، از اقارب عیالش، را فرستاد به شام ببیند چه شده؟ و نامدگی نگران بود تا آنکه فهمید سرقت ساده‌ای بوده و مطلب، مستور مانده و خاطرش آسوده شد و عجب است که پس از زوال اقتدار جمال پاشا، در چند لوح و خطابه نام او را به زشتی برده است!»

### پی‌نوشت‌ها:

۱. برای زنده‌ها و آمکنشی‌های بلیان در آن سالها در عراق رک اختلاف خود بهاء، و شوقی در: مکتب اسفلی، ۱۳۰۷، ق ۱، ص ۲۷-۳۴.
۲. رک: کلیشه نامه میرزا سعیدخان وزیر خارجه ایران به کنسول ایران در بغداد، ۱۲ ذی‌حجه ۱۲۷۸، مندرج در کتاب حضرت بهاء، الله محمد علی فیضی، ص ۱۲۸، ۳. آهنگ بدیع سال ۲۹ (۱۳۲۴)، ش ۱ و ۲، مقاله عزیز الله سلیمانی، ص ۲۱-۲۴.
۳. بررسی مناسبات ایران و آمریکا سید علی موغانی، ص ۱۲۷-۵.
۴. مکاتیب، عباس افندی، ۱۳۱۲، ج ۶، کشف‌الحیل، ج ۱، ص ۱۲۹۱-۷.
۵. همان، ج ۲، ۱۱۱-۱۰۹، تیزرکه همان، ج ۱، ص ۱۲۹۱-۷.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. قرن بدیع، شوقی، ۱۲۲۴-۱۲۲۵، سلطانی سکوت، خاطرات اسدالله علیزاد، صص ۲۷-۳۴.
۲. ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳،